



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



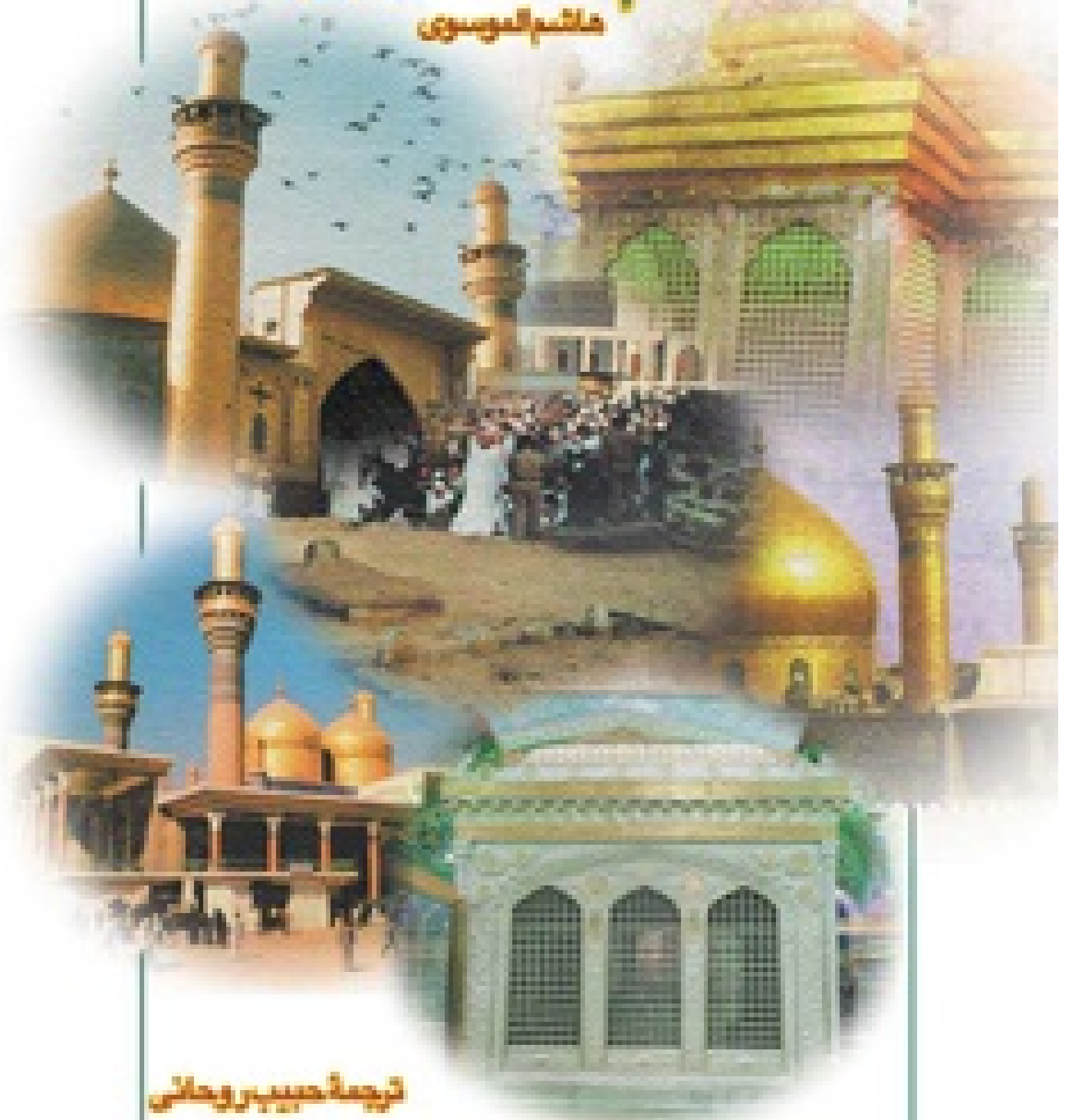
عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



ہمگام با اہل بیتؑ

فاطمہ الموسویٰ



ترجمہ حبیب الرحمن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

همگام با اهل بیت (علیهم السلام)

نویسنده:

هاشم موسوی

ناشر چاپی:

بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	همگام با اهل بیت علیهم السلام
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	فهرست مطالب
۱۳	سخنی از مترجم
۱۷	پیش گفتار مؤلف
۱۹	پیش درآمد
۲۳	منشأ اصلی تشیع
۲۳	اشاره
۳۰	سخنرانی پیامبر صلی الله علیه و آله روز غدیر سال حجّه الوداع
۳۶	مفهوم امامت در اندیشه شیعه
۳۸	اصطلاح شیعه در چه زمان به وجود آمد؟
۴۰	گرد آمدن مردم پیرامون امام علی علیه السلام
۴۲	اهل بیت پاک سرشت
۴۶	امامان اهل بیت علیهم السلام چه کسانی هستند؟
۴۶	اشاره
۴۷	۱- امام علی بن ابی طالب علیه السلام
۴۷	۲- امام حسن مجتبی علیه السلام
۴۸	۳- امام حسین بن علی علیه السلام
۴۹	۴- امام زین العابدین علیه السلام
۴۹	۵- امام محمد باقر علیه السلام
۵۰	۶- امام جعفر صادق علیه السلام
۵۱	۷- امام موسی کاظم علیه السلام

۵۱	۸ - امام علی بن موسی الزضا علیه السلام
۵۲	۹ - امام محمّد جواد علیه السلام
۵۳	۱۰ - امام علی الهادی علیه السلام
۵۳	۱۱ - امام حسن عسکری علیه السلام
۵۴	۱۲ - امام مهدی (عج)
۵۵	اصول اساسی
۵۵	اشاره
۵۵	۱ - توحید
۵۸	۲ - عدل خداوند
۵۹	۳ - نبوت
۶۰	۴ - معاد
۶۲	شفاعت
۶۴	قانونگذاری و احکام در مکتب اهل بیت
۷۰	قرآن و روش تفسیر آن
۷۳	توضیح و تصحیح
۷۸	روش فهم قرآن و تفسیر آن
۷۸	اشاره
۸۰	شیوه اثبات سنت
۸۳	سخن پایانی
۸۶	درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه : موسوی، هاشم

عنوان و نام پدیدآور : همگام با اهل بیت (علیهم السلام) / هاشم الموسوی؛ ترجمه حبیب روحانی

مشخصات نشر : مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۰.

مشخصات ظاهری : ص ۷۹

شابک : ۹۶۴-۴۴۴-۴۱۱-۴۱۱-۴۴۴-۹۶۴؛ ۹۶۴-۴۴۴-۴۱۱-۴۱۱-۴۴۴-۹۶۴

وضعیت فهرست نویسی : فهرست نویسی قبلی

یادداشت : عنوان اصلی: علی خطی اهل البیت علیهم السلام.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع : خاندان نبوت

موضوع : شیعه -- اصول دین

شناسه افزوده : روحانی، حبیب، ۱۳۱۴ - ، مترجم

شناسه افزوده : بنیاد پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BP۳۶/م ۸۵ ۸۰۴۱ ۱۳۸۰

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۰-۱۵۴۰۹

ص: ۱

اشاره

همگام با اهل بیت (عليهم السلام)

هاشم الموسوی

ترجمه حبیب روحانی

ص: ۳

فهرست مطالب

سخنی از مترجم ... ۷

پیش گفتار مؤلف ... ۱۱

پیش در آمد ... ۱۳

منشأ اصلی تشیع ... ۱۷

سخنرانی پیامبر صلی الله علیه و آله روز غدیر سال حجّه الوداع ... ۲۴

مفهوم امامت در اندیشه شیعه ... ۳۰

اصطلاح شیعه در چه زمان به وجود آمد؟ ... ۳۲

گرد آمدن مردم پیرامون امام علی علیه السلام ... ۳۴

اهل بیت پاک سرشت ... ۳۶

امامان اهل بیت علیهم السلام چه کسانی هستند؟ ... ۴۰

۱- امام علی بن ابی طالب علیه السلام ... ۴۱

۲- امام حسن مجتبی علیه السلام ... ۴۱

۳- امام حسین بن علی علیه السلام ... ۴۲

۴- امام زین العابدین علیه السلام ... ۴۳

۵- امام محمد باقر علیه السلام ... ۴۳

ص: ۵

۶- امام جعفر صادق علیه السلام ... ۴۴

۷- امام موسی کاظم علیه السلام ... ۴۵

۸- امام علی بن موسی الرضا علیه السلام ... ۴۵

۹- امام محمد جواد علیه السلام ... ۴۶

۱۰- امام علی الهادی علیه السلام ... ۴۷

۱۱- امام حسن عسکری علیه السلام ... ۴۷

۱۲- امام مهدی (عج) ... ۴۸

اصول اساسی ... ۴۹

۱- توحید ... ۴۹

۲- عدل خداوند ... ۵۲

۳- نبوت ... ۵۳

۴- معاد ... ۵۴

شفاعت ... ۵۶

قانونگذاری و احکام در مکتب اهل بیت علیهم السلام ... ۵۸

قرآن و روش تفسیر آن ... ۶۴

توضیح و تصحیح ... ۶۷

روش فهم قرآن و تفسیر آن ... ۷۲

شیوه اثبات سنت ... ۷۴

سخن پایانی ... ۷۷

از همان سالهای نخستین اسلام، گروهی اهل صفا و خلوص در میان مسلمانان، گام به گام در راستای دستورات قرآن و وصایای پیامبر اکرم، بر طبق تفسیر و تأویل آیات اکمال دین و تبلیغ رسالت و ولایت و بسیاری از آیات دیگر، در شأن علی و زهرا و فرزندان معصومشان و روایات بی شماری در فضیلت آن‌ها و پیروانشان(۱)، علی علیه السلام را به عنوان دومیین فرد در اسلام به رهبری برگزیدند و خالصانه مکتب تشیع را پی ریزی کردند و این خط سرخ را به وسیله مبارزات گوناگون با دشمنان، همواره ادامه دادند.

شیعه و پیروان اهل بیت، اگر چه همواره در اقلیت بودند و مانند رهبرانشان، ائمه معصومین تحت شکنجه و آزار حکام جور و عمالشان، بسر می بردند، اما با مبارزات علمی و عملی

ص: ۷

۱- به خواست خداوند در آینده نه چندان دور به شواهد و دلایل این موضوع اشاره خواهیم کرد.

خود، نشر آثار و افکار و تحمّل آزارها و زندانها و نثار مال و جان و خانواده و از دست دادن اعضا و جوارح و سلامت بدنی خود، زندگی را بر ستمکاران ناگوار می ساختند و حتی داغ آرزوی یک آه ملتسمانه را بر دل قساوتبار آنان می گذاشتند. و بالاخره، شهد و شیرینی موهوم خوش گذرانیها و عیاشیهای آنان را در کامشان تلخ می کردند. این گروه، گاهی در برخی مناطق طلوعی درخشان داشتند و زمانی، چنان در گمنامی و اختفا بسر می بردند و حاکمان جور با ایجاد خفقان، نام آنان را در صحنه تاریخ کمرنگ نشان می دادند که عدّه ای از نویسندگان مزدور یا بی خبر، مکتب شیعه و شیعیان را غیر واقعی و ساخته ذهن بیگانگان و افراد افسانه ای (۱) و یاپدیده نوظهوری از مجعولات برخی سلاطین از قبیل شاهان صفویه و غیر آنها می دانستند، به جرم این که به هر نیت بوده، این سلسله ها با تبلیغات، و ساختن و تعمیر مساجد (بویژه در ایران) و قبور پیشوایان شیعه، در شناساندن و معرفی این مکتب مبارز، کارها و خدمات فراوانی انجام داده اند. در عین حال چنان که در اوایل مقاله خاطر نشان ساختیم، وجود نخستین امامان شیعه و نام سایر آنان تا پیشوای دوازدهم و حتی غیبت طولانی و ظهور آن حضرت و حضور نخستین پیروان آنان که از سابقین در این مکتب هستند، در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و بر زبان مبارک آن حضرت کاملاً مطرح بوده اند.

ص: ۸

اکنون به نمونه هایی چند از روایات به مدّعی خود اشاره می کنیم:

۱- جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: منظور از اولوالأمر(۱) در قرآن که خدا اطاعت آنها را بر مردم واجب کرده، چیست؟

پیامبر فرمود: آنها جانشینان من و امامان بعد از من هستند، نخست علی بن ابی طالب، و سپس به ترتیب تا امام دوازدهم برشمرده و غیبت طولانی او را نیز خاطر نشان ساخت. این مضمون از طریق شیعه و سنی در کتابهای متعددی آمده است که از جمله، شواهد التنزیل؛ ینابیع المودّه؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۱۲۳؛ بحار الأنوار؛ جامع احادیث الشیعه؛ تفسیر عیاشی؛ تفسیر صافی؛ می باشد.

۲- در کتاب الفضائل شاذان بن جبرئیل قمی از ابن عباس نقل کرده است که رسول خدا فرمود: «یدخل الجنّه من امتی، سبعون الفاً، لا حساب علیهم و لا عذاب، ثمّ التفت الی علیّ علیه السلام و قال: هم شیعتک و انت امامهم».

روز قیامت هفتاد هزار (نفر) از امت من بدون کیفر و حساب داخل بهشت می شوند. سپس رو به علی کرد و فرمود: آنها شیعیان تو هستند و تو پیشوای آنهايي».

۳- بر اساس روایات بسیاری از شیعه و سنی، آیه مبارکه

ص: ۹

«..اولئك هم خير البریه»^(۱) آنها بهترین آفریدگانند. در شأن علی علیه السلام و شیعیانش نازل شد. اغلب تفاسیر در ذیل این آیه از سوره بینه بویژه تفسیر نمونه روایات بسیاری از اهل سنت نقل کرده که مابه جهت اختصار از آوردن آنها خودداری می کنیم. سالهاست که برخی شیفتگان مکتب شیعه و محققان علاقه مند به این آستان مقدس از قبیل مرحوم میرحامد حسین صاحب عبقات الأنوار و علامه امینی صاحب الغدیر و اخیرا آیه الله عسکری و گروههای دیگری از فضلا و دانشمندان شیعه که از برکات انقلاب شکوهمند اسلامی مایه گرفته اند به منظور دفاع از مکتب تشیع و زدودن غبار مظلومیت از چهره تابناک این تندیس مقدس، دست به قلم شده اند و حقیقتا که در این راه قدم بزرگی برداشته اند و دشمنان آن را به خاک مذلت و تلاش مذبوحانه وادار کرده اند. کتابچه ای که در معرض مطالعه خوانندگان گرامی است یکی از آنها می باشد که به اثبات حقایق خاندان پاک نبوت پرداخته است.

ص: ۱۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ستایش، سزاوار ذات الهی باد که پروردگار جهانیان است و درود بر سرور رسولان، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و خاندان پاک و یاوران راستینش.

در آغاز سخن گفته می‌شود که این مقاله مختصر و مفید (همگام با اهل بیت) تحقیقی فرهنگی است تا روشن شود که روش خاندان نبوت شیوه‌ای متفکرانه و سیاستمدارانه است که از اندیشه پر بار و ریشه دار اسلامی برآمده و پرچم دوستی و ولایت اهل بیت پاک پیامبر بزرگوار را بر دوش گرفته و مرام و مکتب آنها را توصیف کرده است و درک مسائل اصولی و استنباط قوانین شرع و معارف قرآن و سنت را آموزش می‌دهد، و از این رو، همچون اندیشه‌ای مکتبی و روشی سیاسی از میان تمام مکتبهای اعتقادی و روشهای فقهی دیگر دین اسلام درخشیده است.

هدف از این معرّفی کوتاه، دعوت به سوی وحدت مسلمانان و برطرف ساختن ابرهای تاریک و تندبادهای غبارانگیزی است که در محیط اندیشه و زمینه وحدت و اتفاق مسلمانان جهان می‌وزد.

بعلاوه، این تحقیق کوتاه، بیانی است اجمالی از مبانی و دیدگاههایی که این گرایش مکتبی بر آن بنا نهاده شده و توضیحی بر پیدایش آن است.

خوانندگان عزیز و فرزندان اسلام و دست اندرکاران نشر اصول درخشان آن و کوشندگان را که در راه وحدت مسلمانان و بازگشت به اسلام در قالب شیوه زندگی و نظام اجتماعی و طرح حکومتی تلاش می کنند، دعوت می کنیم تا به واقعیت نقشه های استکباری پی ببرند و درک کنند که آنها می کوشند با سردادن فریادهای گروه گرایانه و طرح شبهات در میان پیروان مذاهبهای گوناگون و رهروان روشهای اسلامی، موانع روانی به وجود آورند تا وحدت جامعه را بر هم زنند و جمع آنها را پراکنده کنند.

پیشنهاد ما در این باره، دعوت به گفت و گوی علمی و التزام به نقد بی طرفانه و تمسک به شیوه قرآنی است که خواهان وحدت امت و حفظ موجودیت سیاسی آن به منظور رویارویی با مبارزه طلبیهای سیاسی و فرهنگی است.

امید داریم خداوند به ما توفیق دهد و اعمال ما را بپذیرد چرا که او شنوا و اجابت کننده است.

مؤلف هاشم موسوی

ص: ۱۲

در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و دوران دعوت آن حضرت، جامعه اسلامی با یک وحدت فکری و سیاسی می زیست و پیامبر راستین حضرت محمد صلی الله علیه و آله رساننده و بیان کننده شریعت، و جلودار و فرمانفرما بود.

همین که رسول خدا به رفیق اعلا پیوست، در نخستین لحظه های وفاتش، گرایشهای گوناگونی در جهت های فکری و سیاسی پدیدار شد.

نخستین اختلافات، در باب خلافت و امامت بود که از آرای گوناگون و اندیشه های متفاوت به وجود آمد اما پس از آن در فهم معنای اسلام و شرح احکام و تبیین ریشه های اصلی آن چنان مخالفتی حاصل شد که موجب دیدگاهها، و اندیشه ها و مکاتب فکری متعددی گشت.

در بحبوحه این کشمکشهای فکری و سیاسی، خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام و فرزندان او، مکتب فکری و شیوه عملی و روش سیاسی ویژه خود داشتند و طبیعی است که مسلمانان این گونه به گروههای مختلف و پیروان مذاهب فکری، فقهی و موضعگیریهایی

تاریخ به ما می گوید: نخستین اجتماعی که به صورت جمعی فشرده و ممتاز در اطراف امام علی علیه السلام روز رحلت رسول خدا به وجود آمد، گروهی از طلایه داران صحابه بودند که با بیعت سقیفه مخالفت کردند و فریاد زدند که امام علیه السلام برای خلافت شایسته تر است.

اندک اندک این مبارزه ها آرام گشت و به سکوت انجامید تا زمانی که در دوران خلافت عثمان، بنی امیه غلبه یافت و پیشگامان از پیروان اهل بیت همچون ابوذر غفاری، عمار یاسر، محمد بن ابی بکر و جز اینها در صحنه حیات سیاسی و دعوت به اصلاح ظاهر شدند.

سرانجام وقتی عثمان کشته شد و مردم با امام علی علیه السلام بیعت کردند، فرمانروایی خاندان نبوت و پیروی فکری و سیاسی آنان مسلم گشت. افراد حاضر در جنگ بدر و اهالی بیعت رضوان و سایر مهاجران و انصار، دور امام گرد آمدند و رودرروی سلطه اموی که به رهبری معاویه بن ابی سفیان در شام اداره می شد، ایستادند. اما همین که ستاره خلافت راستین با شهادت امام علی بن ابی طالب علیه السلام در سال ۴۰ هجری غروب کرد و فرزند او امام مجتبی علیه السلامناچار گشت بعد از چند

ماه تصدی حکومت، به نفع معاویه از خلافت کناره گیری کند، توجه مردم به اهل بیت علیهم السلام و پیروی از روش آنان در اصطلاح حکومت اموی به عنوان یک گناه تلقی شد که نتیجه اش کشتار، زندان و جور و شکنجه بود.

با همه اینها دوستی اهل بیت و پیروی از آنان و ژرف نگری در روش فکری و فقهی و نفوذ آرای سیاسی شان ادامه یافت و مردم بیش از پیش خود را به این خاندان منسوب دانستند؛ بویژه پس از انقلاب امام

حسین علیه السلام در مقابل سلطه یزید بن معاویه و شهادت آن حضرت در سال ۶۱ هجری، که بر پیروان اهل بیت نام شیعه اطلاق و وابستگی و دوستی نسبت به آنان تشیع نام گرفت.

سیره نویسان می گویند: نام شیعه در زمان پیامبر اکرم تنها به چهار نفر اطلاق می شد؛ ابوذر، سلمان، عمار یاسر، و مقداد. این چهار نفر در آن روزگار، معروف بودند که شیعه علی علیه السلام هستند.

ما در این بحث کوتاه تصمیم داریم که بارزترین آگاهی ها را از این مکتب متفکرانه معرفی کنیم. این گرایش ریشه دار اسلامی (مکتب تشیع) به دست امام علی علیه السلام و فرزندان او پایه گذاری و راه و روش آنها به سوی اسلام باز شد و فهم و درک آنان نسبت به حقایق نهفته در کتاب و سنت پاک پیامبر صلی الله علیه و آله گشایش یافت.

ص: ۱۵

شیعه در لغت به معنای پیروان؛ یاران و در اصطلاح خاصّ برای پیروان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، علی و فرزندانِش عَلم شده است. ابن منظور، لغوی مشهور در فرهنگش، -لسان العرب- در تعریف شیعه از ازهری نقل می کند که: «شیعه گروهی هستند که به خاندان پیامبر عشق می ورزند و آنان را دوست می دارند و این اسم آن چنان بر موالیان علی و اولادش غلبه کرده که نام مخصوص آنها شده است.»

بررسی و تحلیل تشیع به عنوان موجودیت و مکتب و گرایش اسلامی، ما را به این نتیجه می رساند که امامت خاندان پیامبر، یعنی علی و فرزندانِش سنگ اصلی ساختمان اسلام و پایه اساسی آن است. توضیح می دهم که امامت به دلیل اهمیت فراوانی که برای بیان اندیشه اسلامی و حفظ شریعت و پیاده کردن احکام آن و ادامه وظیفه دعوت و تغییرات، پس از پیامبر را به عهده دارد، رکن اصلی را از ارکان اعتقادی اسلام تشکیل می دهد، و بر این اساس، تمام مسلمانان بجز گروههای کوچکی از قبیل خوارج و معتزله، بر وجوب آن اتفاق دارند.

قرآن کریم آنگاه که مسأله امامت را به عنوان عهد الهی که خدا ویژه

نیکان و برگزیدگان از بندگان آزاد خود قرار داده، مطرح می کند، اهمیت این مسأله و ارزش فکری و سیاسی و اعتقادی آن را تثبیت کرده است و آن جا که خدای متعال با پیامبر و خلیل خود، گفت و گو کرده، امامت را چنین ترسیم می فرماید: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا، قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (۱).

و در آیه دیگر از لابه لای توصیف پیامبرانی که دارای مقام امامت نیز بوده اند، راجع به موقعیت و ارزش و اهمیت آن در زندگی بشر، به بیان روشن چنین فرموده است: «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يوقنون» (۲).

به دلیل اهمیت مسأله امامت در ادامه راه اسلام به وسیله برقراری نظام حکومتی و بیان قوانین شریعت و حفظ حقایق ناب و اصیل آن (به دست امام) پیامبر صلی الله علیه و آله را می بینیم که میان امامت و جوهره ایمان حقیقی

ص: ۱۸

۱- به خاطر آورید هنگامی که پروردگار ابراهیم، وی را با مسائلی آزمود و او هم از عهده برآمد، خداوند فرمود: من تو را امام مردم قرار دادم. ابراهیم گفت: از فرزندانم نیز امام قرار ده. خداوند فرمود: عهد من (مقام امامت) به ستمکاران نخواهد رسید. بقره / ۱۲۴.

۲- و ما از بنی اسرائیل، امامانی را برگزیدیم که به فرمان ما، مردم را هدایت می کردند. چون شکیا بودند و به آیات ما یقین داشتند. سجده / ۲۴. در این آیه الف: رمز پیروزی و شرط امامت را دو چیز شمرده: نخست ایمان و یقین به آیات الهی. و دیگر: صبر و استقامت. ب: مسأله هدایت مقید به امر الهی شده و در امر امامت، مهم همین است که از فرمان الهی باشد نه از رأی خود، یا درخواست مردم یا تقلید از آنها. ج: منظور از امر، تکوینی یا تشریحی، هر دو ذکر شده ولی بهتر است که به معنای وسیع کلمه بگیریم که با برخی احادیث نیز هماهنگ است. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۱۶۷.

رابطه محکمی قرار داده و فرموده است: «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.»^(۱)

در جای دیگر فرموده است: «هر کس بمیرد و بر گردنش بیعت از امام نباشد به مرگ جاهلیت مرده است.»^(۲) در جای دیگر نقل شده است: «هر کس بدون (اعتقاد) به امامت بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است.»^(۳)

بر پایه این بیان پیامبر اکرم، امام صادق علیه السلام را می بینم که درباره

وجوب امامت و اهمیّت امام که در مسیر فکری و سیاسی و تمدن، رهبری جامعه را بر عهده دارد، چنین می گوید: «اگر در روی زمین جز دو نفر، کسی نباشد، یکی از آنها امام است.»^(۴) با توجه به این حقیقتها، جامعه شیعه، به مسأله امامت اهمیّت شایانی داده، ایمان دارد که «امامت، عبارت است از ریاست عامّه در امور دین و دنیا برای یک فرد به نیابت از پیامبر صلی الله علیه و آله.»^(۵)

به این دلیل مسأله امامت از نظر شیعه مربوط به زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و

نیابت از آن حضرت می باشد و تعیین افراد و معرفی کسانی که پس از

ص: ۱۹

۱- من مات و هو لا یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة الشیخ المفید، عدّه رسائل المفید، ص ۳.

۲- من مات و لیس فی عنقه بیعه، مات میتة جاهلیة؛ البیهقی / السنن الکبری، ج ۸، ص ۱۵۶، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۲۶، ح / ۱۸۵۱.

۳- من مات بغير امام مات میتة جاهلیة؛ الطیرانی، المعجم الکبیر، ج ۱۹، ص ۳۸۹، ح ۹۱.

۴- لو لم یکن فی الأرض الا اثنان لکان الامام احدهما؛ الکلینی، الأصول الکافی، ج ۱، ص ۱۸۰.

۵- العلامه الحلی؛ الباب الحادی عشر، ص ۶۹.

پیامبر صلی الله علیه و آله پرچم امامت را بر دوش خواهند گرفت از کارهای مهم پیامبر است.

از این رو، شیعه معتقد است که هرگز امکان ندارد پیامبری که آینده امت را آگاهانه می نگرد و خود را در پاسداری از راه آن مؤظف می داند، نسبت به مسأله با اهمیتی مثل مسأله امامت، که سرنوشت مردم و رسالتش به آن بستگی دارد، بی اعتنا بگذرد و آن را با مشکلات و مخالفتها و نزاعها و کشمکشهایش واگذار کند.

شیعه برای این عقیده خود، به مواردی از دیدگاهها و بیانات صریح پیامبر صلی الله علیه و آله استناد می کند که مفهومی این است: پیامبر راستین از همان آغاز دعوتش، بر این بود که گروهی پیشتاز را از یاران و مؤمنان به رسالتش آماده سازد تا مقدمه اندیشه و راه او باشند و تعلیم یافتگانی که در معنای رسالت بیندیشند و مضمونهای عمیق و فراگیر اسلام را درک کنند و بزرگترین جنبش انقلابی را که در جهان بشریت ایجاد می کند، دریابند.

این هدف مهم پیامبر صلی الله علیه و آله به این وسیله تحقق یافت که شخصیت امام علی علیه السلام را آماده ساخت و به تربیت او بیش از تربیت سایر صحابه اهمیت داد زیرا از آغاز کودکی، او را جزو خانواده خود قرار داد و در خانه خویش با خلق و خویش او را پروراند و پیش از بعثت به نبوت، به وی ادب آموخت. نشو و نماى او در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله وی را از پلیدی

دوران جاهلیت مصون داشت و از رفتار به شیوه آن جامعه بت پرست، محافظت نمود و به این دلیل وی هرگز در برابر بت سجده نکرد.

آنگاه که خداوند، پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله را برای به دوش گرفتن پرچم رسالت و هدایت بشریت برگزید، امام علی علیه السلام نخستین تصدیق

کننده او و دعوتش بود. بنابراین، علی علیه السلام از لحظات نخست دعوت و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آلهبا اندیشه و آگاهی در رفتار او هماهنگ بود زیرا پیامبر در این دوران توجه زیادی به آمادگی مکتبی او داشت و آنچه را علوم و معارف از پروردگار عزیز دریافت می کرد به وی تلقین می فرمود؛ هم چنان که هر استادی نسبت به برجسته ترین شاگردان و طلایه دار شایستگان عنایت بیشتری دارد.

نسائی از ابن عباس از علی علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «هر وقت در دل شبها از پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه می خواستم حضورش مشرف شوم، اگر مشغول نماز بود، به نشانه اذن دخول، تسبیح می گفت و اگر در حال نماز نبود، لفظاً اجازه ورود می داد.» (۱) و نیز نسائی از امام علی علیه السلام نقل کرده است:

«در دو وقت به خانه رسول خدا وارد می شدم: وقتی در شب و وقتی در روز؛ شب که می خواستم حضورش برسم با تنحج به من اجازه ورود می داد.» (۲)

و نیز نقل کرده است که علی علیه السلام فرمود: «هر وقت از رسول خدا چیزی می خواستم به من عطا می کرد و اگر از سؤال کردن خودداری می ورزیدم (بدون سؤال) خواسته مرا پاسخ می داد.» (۳)

حاکم در مستدرک این حدیث را آورده و گفته است: «این حدیث

ص: ۲۱

۱- کانت لی ساعه من الشّیحر، ادخل فیها علی رسول الله صلی الله علیه و آله فان کان فی صلاته سبّح، فکان ذلک اذنه لی و ان لم یکن فی صلاته اذن لی؛ النسائی، السنن الکبری؛ کتاب الخصائص، ج ۵، ص ۱۴۱، ح ۸۵۰۰.

۲- کان لی من النبی مدخلان، مدخل با لیل و مدخل بالنهار، فکنت اذا دخلت باللیل تنحج لی؛ النسائی، السنن الکبری؛ کتاب الخصائص، ج ۵، ص ۱۴۱، ح ۸۵۰۰.

۳- کنت اذا سألت رسول الله صلی الله علیه و آله اعطانی و اذا سکنت ابتدأنی؛ النسائی، السنن الکبری؛ کتاب الخصائص، ج ۵، ص ۱۴۱، ح ۸۵۰۰.

صحیح است با توجه به شرطی که شیخین (بخاری و مسلم) درباره صحّت روایت گفته اند؛ اگر چه خودشان این روایت را ذکر نکرده اند.»^(۱)

امام علیه السلام با بیان این که رسول خدا از کودکی او را در خانه خود نگهداری و تربیت کرده است، علاقه خود را نسبت به آن حضرت چنین شرح می دهد: «چنان که بچه شتر به دنبال مادرش می رود، من از پی رسول خدا می رفتم، هر روز درسی عملی از اخلاق خود به من می داد و مرا امر می کرد که به وی اقتدا کنم...»^(۲)

پیوسته پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام عنایت و اهتمام داشت و در موارد بسیاری به موقعیت و ارزشمندی او تصریح می کرد؛ چنان که در دوران صحابه آشکار بود که پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به منظور عهده دار شدن وظیفه امامت و رهبری مستعدّ و آماده می سازد.

روایت شده است، روزی که خداوند با فرمان «وانذر عشرتک الأقرین»^(۳) به آن حضرت دستور داد خویشانش را انداز کند، سی نفر از آنها را دعوت و اطعام کرد و موقعی که از غذا خوردن فراغت یافتند به آنها فرمود: «چه کسی ضمانت می کند که دین مرا ادا و به وعده هایم وفا کند و (در دنیا) جانشین و در بهشت همنشین من باشد؟» علی علیه السلام عرض کرد: من حاضریم. پیامبر فرمود: (آری) تو.»^(۴) چنان که از

ص: ۲۲

-
- ۱- مستدرک الحاکم، ج ۳، ص ۱۲۵، کتاب معرفه الصّحابه، فضائل علی بن ابی طالب.
 - ۲- ولقد كنت اتبعه أتباع الفصيل اثر امّه، يدفع لی فی کلّ یوم من اخلاقه عملاً و یأمرنی بالاعتداء به...؛ نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۳۰۰، خطبه ۱۹۲.
 - ۳- شعراء/ ۲۱۴.
 - ۴- من یضمن عتیّ دینی و مواعیدی و یكون خلیفتی و یكون معی فی الجنه؟ مسند احمد حنبل ج ۱، ص ۱۱۱؛ تاریخ طبری؛ ج ۲، ص ۳۲۱؛ الحسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۴۳.

پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که وقتی علی علیه السلام را در مدینه جانشینش قرار داد و خودش رهسپار جنگ تبوک شد، فرمود: «آیا از این خشنود نیستی که نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی باشی؟ به استثنای این که پس از من پیامبری وجود ندارد.» (۱) و نیز از آن حضرت نقل شده است که فرمود: «علی از من است و من از علی هستم، دینی که بر گردن من است، جز علی یا خودم کسی ادا نمی کند.» (۲)

همانطور که در گرایش پیروان اهل بیت به این موضعگیری بزرگوارانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله استدلال شده، به آیات عدیده ای از قرآن که در معرفی علی علیه السلام و موقعیت و مقام او نازل شده نیز استدلال می شود؛ از جمله، این آیه شریفه است: «أَتَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (۳) زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله این آیه را با گفتار و رفتار خود، تفسیر فرموده است. جلال الدین سیوطی در کتاب درالمنثور، راجع به تفسیر این آیه نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام نزول این آیه، امام علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام زیر عبای خود جمع کرد و گفت: «خدایا! اینها آل محمد هستند، صلوات و برکات خودت را بر خاندان محمد نثار فرما چنان که آنها را بر آل ابراهیم نثار فرمودی» (۴)

ص: ۲۳

۱- اما ترضی ان تکون منی بمنزله هارون من موسی الا انه لانبی بعدی؟ مسند احمد حنبل، ج ۱، ص ۱۷۷؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۶۰، کتاب فضائل الصحابه، فضائل علی بن ابی طالب.

۲- اَنْ عَلِيًّا مَنِّي وَاَنَا مِنْ عَلِيٍّ، لايؤدّي عني الا انا أو عليٌّ؛ مسند احمد، ج ۴، ص ۵-۱۶۴؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۵۹۴.

۳- اراده خداوند تعلق گرفته است که هر پلیدی را از شما خاندان بزدايد و شما را به طور کامل پاک و مطهر سازد. الأحزاب ۳۳/

۴- اللَّهُمَّ هؤلَاءِ اهل محمد فاجعل صلواتك وبركاتك على آل محمد كاجعلتها على آل ابراهيم.

و این آیه را، حاکم در شواهدالتنزیل (۱) و طحاوی در مشکل الآثار (۲) و احمد بن حنبل در مسند (۳) و نسائی در سنن کبری (۴).

همچنین به آیه ای استدلال شده است که همه مسلمانان اتفاق دارند بر این که درباره علی علیه السلام نازل شده، آنگاه که در حال رکوع نماز به فقیری که وارد مسجد شد، صدقه داد و آیه این است: «أَنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ. وَمَن يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (۵).

سخنرانی پیامبر صلی الله علیه و آله روز غدیر سال حجّه الوداع

اندیشه اساسی شیعه در استدلال و اقامه برهان، مبتنی بر این است که امامت، پیمان و مسؤولیتی است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله خود را موظف

می دانست آن را قالب ریزی کند و به مردم بشناساند، تا پس از زندگی پر بارش بتوانند از جنبه های استدلالی و عاطفی آمادگی رویارویی با این اصل مهم را بیابند.

آخرین حجّ دوران نبوت با حضور پیامبر پایان یافت. سخنان و

ص: ۲۴

-
- ۱- الحسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۶-۷.
 - ۲- مشکل الآثار، ج ۱، ص ۳۳۲.
 - ۳- مسند احمد، ج ۱، ص ۱۰۷.
 - ۴- السنن الکبری، کتاب الخصائص، ج ۵، ص ۱۰۷، ح ۸۳۹۹.
 - ۵- ولی و سرپرست شما، خدا و پیامبر اوست و مؤمنانی که نماز را بپا می دارند و در حال رکوع، صدقه می دهند، و این صفت دارند که خدا و رسول و مؤمنان را دوست می دارند. آری، تنها حزب الله هستند که پیروزند. مائده/۵۵-۵۶

بیانات آن حضرت در روز هجدهم ذیحجه، هنگام اجتماع حاجیان، پیش از متفرق شدن آنان، در مکانی به نام غدیر خم برگزار شد. پیامبر صلی الله علیه و آله در آن جا به سخنرانی ایستاد؛ آخرین وصایا و سفارشهایش را به مردم ابلاغ فرمود.

احمد، امام حنابله، این گردهمایی جاوید تاریخ را در کتاب خود چنین آورده است: «عبدالله از قول پدرش برای ما نقل کرده است که عَصَان از حَمَاد بن سلمه و او از عَلِي بن زید، از عدِي بن ثابت از براء بن عازب حدیث کرده است که گفت: (روز غدیر) با پیامبر زیر دو درخت بودیم، نماز ظهر را خواند، سپس دست علی علیه السلام را گرفت و (خطاب به

مردم) گفت: آیا همه شما نمی دانید که ولایت و سرپرستی من نسبت به مؤمنان، از خودشان بیشتر است؟ همه گفتند: آری می دانیم. سپس گفت: آیا تمام شما نمی دانید که من نسبت به هر مؤمنی از خودش به او بیشتر ولایت دارم؟ گفتند: آری، می دانیم. راوی گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله دست علی را گرفت و گفت: هر کس را که من مولای او هستم، علی هم مولای اوست. خدایا! دوست بدار دوست او را و دشمن بدار دشمن او را. (راوی) گفت: پس از این بیانات، عمر، علی علیه السلام را ملاقات کرد و گفت: مبارک باد ای عَلِي بن ابی طالب که از این پس برای همیشه سرور تمام مردان و زنان با ایمان شدی. ابو عبد الرحمن نقل کرده است که هدبه بن خالد از حَمَاد بن سلمه و او از عَلِي بن زید، از عدِي بن ثابت از براء بن عازب، مثل همین بیانات را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند.»^(۱)

ص: ۲۵

۱- مسند احمد، دار احیاء التراث العربی ۱۴۱۲هـ، ج ۵، چاپ اول، ص ۳۵۵، ح ۱۸۰۱۱.

نسائی از زیدبن ارقم روایت کرده است که گفت: وقتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از حجّه الوداع برگشت و کنار غدیر خم فرود آمد، دستور داد زیر درختان را صاف و جاروب کردند؛ آنگاه فرمود: «اکنون که منادی حق، پایان زندگی مرا اعلام کرده است، دو یادگار گرانبها در میان شما باقی می گذارم که هر کدام از دیگری مهمتر است؛ یکی کتاب خدا و دیگری خاندانم؛ بیندیشید که درباره این دو چگونه از من نیابت خواهید کرد چرا که این دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا در سر حوض (روز قیامت) بر من وارد شوند. سپس فرمود: خدا مولای من است و من ولی و سرپرست همه مؤمنانم. سپس دست علی علیه السلام را گرفت و گفت: هر کس را که من ولی او هستم، این علی نیز بر او ولایت دارد. خدایا! دوست بدار هر کس را که دوست دارد او را و دشمن بدار هر کس را که دشمن دارد او را.»^(۱)

با توجه به این امور، گروهی از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله بر این عقیده اند که علی علیه السلام برای خلافت و امامت (از دیگران) شایسته تر است و این عقیده خود را به اموری نسبت می دهند از قبیل:

الف: استفاده از اعترافات دانشمندان بزرگ اهل سنت که ذکر شد و گذشت.

ب: آنچه از کلمه ولی فهمیده می شود که در این آیه آمده است:

ص: ۲۶

۱- کأنتی دعیت فاجبت، انی قد ترکت فیکم الثقلین، احدهما اکبر من الآخر کتاب الله وعترتی، اهل بیته، فانظروا کیف تخلفونی فیهما، فانهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض... ان الله مولای و انا ولی کل مؤمن. ثم اخذ بید علی علیه السلام فقال: من کنت ولیه فهذا ولیه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه. النسائی السنن الکبری؛ کتاب المناقب، ج ۵، ص ۴۵، ح ۴۸/۸۱.

«أَنَا وَلِيُّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ.»^(۱)

ج: آنچه از مادّه ولایت به دست می آید که در این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «من كنت مولاه فعليّ مولاه، اللهمّ وال من والاه و عاد من عاداه».

چرا که شیعه از واژه «ولی» در این آیه چنین می فهمد که این کلمه، مفید ولایت امر، خلافت و امامت است بویژه که رسول اکرم در توضیح آن فرمود است: «آیا نمی دانید که من نسبت به مؤمنان از خودشان بر آنها اولویّت دارم؟»^(۲)

بعلاوه که بعد از آن فرمود: «من كنت مولاه فعليّ مولاه». پس ایمان آوردند به این که منظور پیامبر از این سخنان، بیان صلاحیت امیر مؤمنان علی علیه السلام به عنوان ولیّ امر مسلمانان بعد از وفات وی بوده است، و در پاسخگویی به این اندیشه و بیان، پیرامون علی علیه السلام گرد آمدند و شیعه و پیرو او شدند زیرا امامت و مرجعیت فکری برای جامعه را در او مجسّم یافتند.

همچنین برای امامت علی علیه السلام استدلال شده است به این که بیعت با ابوبکر در سقیفه را ردّ و خلافت و امامت را به عنوان حقیّی از حقوق خود مطالبه کرد.

این استدلال مبنی بر این است که امام علی علیه السلام کسی است که تمام مسلمانان نسبت به ایمان و زهد او در دنیا و جهاد وی در تمام صحنه ها

ص: ۲۷

۱- مائده؛ ترجمه این آیه گذشت.

۲- الستم تعلمون أنّی اولى بالمؤمنین من انفسهم.

آشنایی کامل دارند، و اگر امام علیه السلام برای خود، حق ویژه ای نسبت به امامت نمی دید، بر بیعت سقیفه اعتراض نمی کرد و درخواست حقش را از خلافت آشکار نمی فرمود و آنگاه که از نتایج آن بیعت با خبر شده بود، به آن راضی می شد؛ چنان که رأی امام علی علیه السلام و گروهی از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله بر این بود، رأی گروهی دیگر نیز بر این بود که از آنچه در سخنان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و قرآن کریم آمده، ثبوت ولایت و امامت علی علیه السلام استفاده نمی شود، و مقصود از ماده ولایت که در کتاب خدا و سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله در حجّه الوداع آمده، دوستی، یابوری و علاقه نسبت به اوست، نه ولایت امر و خلافت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله.

از این رو خود را محق می دانستند که شخص دیگری را برای خلافت برگزینند. مرحوم شهید محمد باقر صدر برای تفسیر موضعگیریهای صحابه که غیر از علی علیه السلام را به عنوان خلافت برگزیدند

به پیدایش دو گرایش مکتبی در بین صحابه در زمان رسول خدا اشاره می کند به این بیان:

۱ - گرایش پای بندی به نصّ در هر زمینه از زمینه های حیات، و در این گرایش برای هیچ کس در سخن پیامبر، حق حرف زدن و اجتهاد در مقابل نص وجود ندارد، چه در زمینه عبادت یا سیاست یا شؤون جنگی و چه غیر اینها باشد.

۲ - گرایش دیگر، این است که در برخی زمینه ها اجتهاد در مقابل نصّ جایز است.

این دو گرایش، زمانی که با نصّ پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد امام علی علیه السلام مواجه شد به شکل دو جریان، مجسم گردید. پس یک گروه، در مقابل نصّ، اجتهاد کردند و گروهی دیگر به نصّ رسول خدا ملتزم شدند و به

این دلیل پای بندی به نصّ از زمان حضرت علی علیه السلام به وجود آمد.

شهید صدر سپس سخن خود را چنین توضیح می دهد: «این دو گرایش که میان آنها در زمان پیامبر صلی الله علیه و آلهنزاع در گرفته بود، در

موضعگیری مسلمانان نسبت به طرح زعامت امام علی علیه السلام برای دعوت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله شکل گرفت. پیروان گرایش تعبّدی که پای بند به نصّ بودند، متن سخن پیامبر را بدون هیچ تردید و توقّفی موجب پذیرش خلافت و امامت علی علیه السلام دانستند امّا پیروان گرایش دوم، عقیده داشتند که هر گاه اجتهادشان به مسأله ای منجر شود که با شرایط پیشنهادی آنها سازگارتر باشد، می توانند خود را از طرحی که پیامبر برایشان ریخته رها سازند. به این ترتیب می بینیم که شیعه بلافاصله پس از وفات رسول خدا به وجود آمد، در حالی که شیعیان میان مسلمانان، نمایانگر گروهی بودند که در عمل، مسأله زعامت امام علی علیه السلام و رهبری او را که پیامبر صلی الله علیه و آله واجب دانسته بود بی درنگ پس از وفاتش اجرا شود، اطاعت کردند. گرایش شیعی از لحظه نخست بر این استوار شد که آنچه را در سقیفه مطرح شده - مبنی بر این که مسأله زعامت امام علی علیه السلام مسکوت گذاشته شود و حکومت در دست دیگران قرار گیرد - انکار کند.» (۱)

ص: ۲۹

۱- الشّهِید السّید محمد باقر الصدر، بحث حول الولاية، ص ۹ - ۷۸.

علامه حلی، امامت را چنین تعریف کرده است: «امامت عبارت است از ریاست همه جانبه یکی از افراد در امور دین و دنیا، به نیابت از پیامبر»^(۱). بنابراین، امامت یکی از اصول اندیشه اسلامی است و پایه محکمی از ساختمان آن را تشکیل می دهد و به این دلیل، اسلام، نظر به اهمیت فراوانی که این اصل مهم در بیان اندیشه اسلامی و حفظ قوانین و پیاده کردن آنها و ارتباط وظیفه دعوت با تحوّل و پیشرفت دارد، به مسأله امامت، توجه خاصی مبذول داشته است. مسأله امامت، نخستین مسأله ای است که اندیشه های ناب و نظریات مهم در آن روشن می شود؛ چنان که اهل تاریخ ذکر کرده اند.

مسلمانان در روز رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، راجع به چگونگی تعیین

پیشوایی که جانشین پیامبر شود و نیز در گزینش کسی که این سمت بزرگ و با اهمیت را به عهده بگیرد، اختلاف کردند و بر این اساس به منظور پر کردن جایگاه خلافت سه نفر به شرح ذیل نامزد بودند.

ص: ۳۰

گروهی از انصار که در سقیفه بنی ساعده گرد آمده بودند، سعد بن عبادہ را برگزیدند. بعضی از مهاجران، ابوبکر را انتخاب کردند اما عدّه ای از مهاجران و گروهی از انصار و بنی هاشم، امام علی بن ابی طالب علیه السلام را اختیار نمودند.

از جنبه تاریخی و اعتقادی، روشن است که مسأله امامت، از بارزترین مسائلی است که شخصیت وجودی تشیع را در اطراف علی علیه السلام و اهل بیتش متبلور ساخته است زیرا پیروان علی علیه السلام و خاندانش معتقدند که علی علیه السلام تنها شخصیتی است که شایسته پیشوایی در فکر و سیاست است از این رو، ولایت و حکومت، از آن اوست و او مرجعی است آگاه که رأی و اندیشه اش اختلاف میان مسلمانان را از بین می برد. این پیروان اهل بیت با عقیده ای چنین، شیعه نامیده می شوند.

اصطلاح شیعه در چه زمان به وجود آمد؟

ارزشمندترین نکته، این است که بدانیم اصطلاح شیعه چگونه و در چه زمانی به وجود آمده و چه سان این حقیقت اسلامی همچون مکتبی فکری، سیاسی و نهادی مذهبی در میان مکتبها، روشها و گرایشهای دیگر اسلامی برآمده است؟

پژوهشگران و اهل تحقیق از دانشمندان اسلامی بر این عقیده اند که نخستین کسی که این نام را به کار گرفت، پیامبر اکرم، حضرت محمد صلی الله علیه و آله بود.

ابن حجر (۱) و شبلنجی (۲) و جلال الدین سیوطی (۳) به اتفاق در تفسیر قول خداوند: «انّ الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریّه» (۴) گفته اند که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «هُوَ انت و شیعتک». خیر البریه (بهترین خلق) در آیه، تو و شیعیان تواند. همچنین ابن اثیر

ص: ۳۲

۱- الصواعق المحرقة، ص ۱۶۱.

۲- نورالابصار فی مناقب آل بیت النبی الاطهار، ص ۸۰.

۳- الدرّ المنثور، ج ۶، ص ۳۷۹.

۴- کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند، بهترین خلق اند. بیّنه ۷/

نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: بزودی، تو و شیعیانت خشنود و پسندیده در پیشگاه خدا حضور می یابید و دشمنانت در حالی که خشمگین هستند و مورد خشم خداوند نیز قرار گرفته اند، در آنجا حاضر می شوند. (۱)

شیعه اهل بیت بودن و دوستی آنها را داشتن و صلوات بر آنان فرستادن، فریضه ای است که قرآن، آن را واجب دانسته و گفته است: «قل لا اسألكم عليه اجراً الا الموده في القربى» (۲). همین طور صلوات

را واجب فرموده است، آن جا که به صلوات فرستادن بر پیامبر امر کرده و ذکر آن در نماز واجب شده چرا که خود پیامبر، طریقه صلوات فرستادن بر خودش را به امت تعلیم داده و گفته است: بگوئید: «اللهم صل على محمد صلی الله علیه و آله و آل محمد، كما صليت على ابراهيم و آل ابراهيم أنك حميدٌ مجيد.»

ص: ۳۳

۱- ستقدم على الله انت وشيعتك راضين مرضيين ويقدم عليه عدوك، غضباًنا مضمحين؛ النّهايہ فی غریب الحدیث والأثر، ج ۲، ص ۱۰۶.

۲- بگو ای پیامبر! من از شما هیچ مزدی نمی خواهم مگر دوستی نسبت به خانواده ام. شوری/ ۲۳

گرد آمدن مردم پیرامون امام علی علیه السلام

با رحلت پیامبر اکرم، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، مسلمانان مصیبت زده

شدند. فوت آن جناب، حادثه دردناکی بود که دل و جان امت را سخت لرزانید و به شدت تکان داد. از این رو، گروهی از یاران آن حضرت که انصاری بودند، نخست بر آن شدند که در سقیفه بنی ساعده گرد آیند و برای پیامبر صلی الله علیه و آله جانشینی برگزینند که پس از او امور مسلمانان را بر عهده بگیرد و سعد بن عباد را به عنوان خلیفه مسلمانان اختیار کردند.

ابوبکر، عمر، عبدالرحمان بن عوف و ابو عبیده بن جراح خیر دار شدند، به سقیفه آمدند و در بگو و مگوی سختی با آن جمعیت انصار وارد شدند و بیعتی را که از ناحیه انصار با سعد بن عباد واقع شده بود، رد کردند و ابابکر را برای خلافت بر مسلمانان معرفی نمودند. داستان سقیفه به امام علی بن ابی طالب علیه السلام و گروهی از صحابه رسید. این گروه، بیعت با ابوبکر را رد کردند و گفتند: تنها علی علیه السلام شایسته جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و رهبری مسلمانان است. از جمله اینها، عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام دختر رسول اکرم صلی الله علیه و آله، فضل بن عباس، زبیر بن عوام، و خالد بن سعید، مقداد بن اسود، سلمان فارسی، ابوذر

غفاری، عمّار یاسر، براء بن عازب و ابی بن کعب بودند.^(۱)

به این طریق هسته مرکزی تشیع و تجمّع صحابه در گرد علی علیه السلام به وجود آمد و در موضوع امامت و خلافت، دو جریان و دو مکتب فکری پایه ریزی شد.

ص: ۳۵

۱- تاریخ یعقوبی، ج ۲. ص ۱۲۴؛ ابن قتیبه دینوری، الامامه والسیاسه، ج ۱، ص ۱۹.

«أَمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (۱)

از اصول اساسی که عقیده امامت در اندیشه شیعی بر آن استوار است، اتّصاف امام به صفات کامل بشری و پاک بودن او از معصیت خدای سبحان - همان چیزی که قرآن کریم آن را «تطهیر» نامیده و بعدها به عنوان عصمت مصطلح شده است - می باشد.

شیخ مفید، نظریّه شیعه امامیه را در این که واجب است امامی که شایسته پیشوایی و سرپرستی است، متّصف به عصمت (تطهیر) باشد، چنین خلاصه کرده است: «طایفه امامیه، اتّفاق دارند براین که پیشوای دینی به طور قطع باید از مخالفت فرمان خداوند مصون و محفوظ و نسبت به تمام علوم دین، آگاه و در فضیلت کامل باشد و با فضیلت داشتن بر مردم نسبت به انجام دادن اعمالی که موجب ثوابهای جاودانی

ص: ۳۶

۱- اراده خدا تعلق گرفته است که از شما خاندان پلیدی را دور کند و شما را به کمال پاکیزگی، پاک سازد. احزاب / ۳۳

می شود، از همه، ممتاز باشد.» (۱)

امام جعفر صادق علیه السلام در تعریف کلمه معصوم فرموده است: «معصوم کسی است که با حمایت خداوند از تمام حرامهایش پرهیز کند.» (۲) بر مبنای این تعریف، اهل کلام، عصمت را چنین معرّفی می کنند: «عصمت، لطف پوشیده ای است که خدای تعالی نسبت به مکلف انجام می دهد به گونه ای که انگیزه ای بر ترک اطاعت و ارتکاب معصیت ندارد؛ با این که قادر بر انجام دادن آن اعمال می باشد.» (۳)

از نظریه امامیه چنین بر می آید که دو ویژگی طهارت (عصمت) و کمال آگاهی نسبت به احکام شریعت و معارف آن - چنان که در تعریف شیخ مفید گذشت - دو ملاک اساسی در استحقاق امامت هستند که بر اساس اصول قرآنی و سخنان پیامبر اکرم بنا شده اند. و ما اکنون این اصول و استدلالها را که در گفت و گوهای اندیشه شیعه امامیه آمده است، به اختصار ذکر می کنیم:

روشنترین آیه ای که بر وجوب لزوم عصمت در امام به آن استدلال شده، مطلبی است که از گفت و گوی خداوند با ابراهیم راجع به شایستگی برای امامت، از آن آیه استفاده شده است.

خدای تعالی فرموده است: «قال اَنّى جاعلك للناس اماما، قال و من ذرّيتى، قال لا ینال عهدى الظالمین.» (۴)

ص: ۳۷

-
- ۱- اوائل المقالات، ص ۴۷.
 - ۲- المعصوم هو الممتنع بالله من جميع محارم الله؛ مجلسی؛ بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۹۴.
 - ۳- مقداد الشیوری، شرح الباب الحادى عشر، ص ۳۷.
 - ۴- خدا فرمود: ای ابراهیم! من تو را برای مردم، امام قرار دادم، ابراهیم گفت: از فرزندانم نیز قرار ده. خداوند فرمود: عهد من شامل ستمکاران نمی شود. بقره/۱۲۴.

با توجه به این بیان قرآنی چنین استدلال شده است که امامت عهدی است الهی ویژه کسی که از ظلم یعنی معصیت دور و طهارت نفس و عصمت در او کامل باشد، چنان که در تعریفهای عصمت و معصوم بیان شد. با این که می دانیم چنین عصمتی تحقق نمی یابد مگر این که شخص معصوم نسبت به احکام و علوم شرعی کاملاً دانا و آگاه باشد.

اندیشه شیعی بر این اساس پایه ریزی می شود، که قرآن به طهارت اهل بیت از هر پلیدی گواهی داده و فرموده است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»^(۱). زیرا از راویان و اهل تفسیر به طور متواتر نقل شده است که وقتی این آیه نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آلهعلی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را جمع کرد و گفت: «خدایا! اینها اهل بیت من هستند. آنها را بکلی از هر پلیدی دور بدار.»^(۲)

هم چنان که در مورد طهارت و عصمت امامان اهل بیت به قرآن و این سخن رسول اکرم استشهاد شده، به گواهی رسول اکرم در حجه الوداع نیز استدلال شده است که فرمود: «...من در میان شما دو چیز گرانبها از خود باقی گذاشته ام که یکی از دیگری بزرگتر است و آنها عبارت اند از کتاب خدا، عترت و خاندانم، بیندیشید که چگونه در حفظ آنها از من نیابت خواهید کرد زیرا این دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد، تا وقتی که بر سر حوض در قیامت بر من وارد شوند.»^(۳)

ص: ۳۸

۱- احزاب / ۳۳.

۲- الحاکم، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۴۵۱ / ح ۳۵۵۸، البیهقی / السنن الکبری، ج ۲، ص ۱۵۲، سنن الترمذی، ج ۵، ص ۶۲۱ / ح ۳۷۸۷.

۳- النسائی، السنن الکبری، کتاب المناقب، ج ۵، ص ۴۵، ح ۸۱۴۸.

زیرا به این نصّ نبوی که گواه بر ملازمت اهل بیت با کتاب خدا و جدا نشدن از او از جهت علم و عمل است ، استدلال شده است. این همراهی کامل با کتاب خدا را تعبیر به عصمت می کنند، چنان که رسول اکرم به وسیله این گفتار شریفش بر این امر گواهی می دهد.

ص: ۳۹

اکنون که امامت، رکن اساسی را در پیکره اندیشه اسلامی بر طبق نظریه امامیه در معارف شیعی پی ریزی می کند و از بارزترین اصول آن، شناختن شخصیت امامانی از خاندان رسول اکرم است که پس از آن حضرت پیشوایان مسلمانان می باشند، باید بدانیم که پیشوایانی که این مکتب اسلامی به رهبری فکری و سیاسی آنها اعتبار یافته است و در فهم کتاب و سنت و اخذ احکام و معارف شریعت مرجع کلّ می باشند، چه کسانی هستند؟ زیرا دستاوردهای این فکر در نظر جویندگان حقیقت، دلیل ارزشمندی این گرایش و دور نمای اندیشه درست آن نسبت به اصول و پایه های اساسی اسلام تلقی می شود.

حال که پیروان اهل بیت، دلایل خود را از کتاب و سنت ارائه دادند و ادله مشهود عملی را که گواه بر تقوا و علم و جهاد ائمه اهل بیت است، اقامه کردند و شایستگی آنان را برای امامت و مرجعیت فکری و سیاسی جامعه به اثبات رساندند، ما بر آن شدیم که معرفتی مختصری از این بزرگواران عرضه بداریم:

۱ - امام علی بن ابی طالب علیه السلام

آن حضرت، ده سال قبل از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه (خانه خدا)

دیده به جهان گشود، و پس از آن که در حال سجده نماز صبح در نوزدهم ماه رمضان، عبدالرحمان بن ملجم، که از خوارج (نهروان) بود، او را ضربت زد، در بیست و یکم همان ماه به شهادت رسید.

علی علیه السلام مثل اعلای اسلام و برادر رسول خدا و علمدار اوست و بر تمام مردم در پذیرفتن دعوت پیامبر سبقت گرفت. از این رو، وحی الهی او را گرامی داشت و قرآن در عظمتش سخن گفت: اهل تفسیر ده ها آیه از قرآن بر شمرده اند که در شأن علی علیه السلام نازل شده، درباره

جهاد، تقوا، ولایت و بخشش وی در راه خدا سخن می گوید؛ از قبیل آیه ولایت، تطهیر، مباحله، مودت و سوره دهر (انسان) و غیره.

چنان که راویان و محدثان، ده ها حدیث و روایت از رسول خدا نقل کرده اند که با صراحت، از مقام و فضیلت و منقبت آن حضرت سخن می گوید. برخی از این احادیث در گذشته ذکر شد.

۲ - امام حسن مجتبی علیه السلام

امام حسن علیه السلام فرزند علی بن ابی طالب علیه السلام و مادرش فاطمه

زهرا علیهاالسلام دخت گرامی رسول خداست. او در پانزدهم ماه رمضان سال سوم هجرت، تولد یافت و در سال پنجاهم هجری (۲۸ ماه صفر) با سم به شهادت رسید.

امام حسین علیه السلام، فرزند علی بن ابی طالب و مادرش فاطمه زهرا، دختر رسول خدا صلی الله علیه و آلهست. او در سوم ماه شعبان سال چهارم هجرت، متولد شد و در دهم محرم سال (۶۱ هـ) در کربلا به دست لشکر یزید، پسر معاویه بن ابی سفیان به مقام بلند شهادت نایل آمد.

حسن و حسین علیهما السلام دو فرزند رسول خدا و از اهل بیت او هستند؛ همان کسانی که خداوند، دوستی و ولایت و فرستادن صلوات بر آنها را فریضه ساخته؛ چنان که در آیه های تطهیر و مباحله و مودت آمده و در تشهد نماز، صلوات بر محمد و آتش واجب گردیده است. اهل حدیث، ده ها روایت برای ما می گویند که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در فضیلت اهل بیت،

علی و فاطمه و حسن و حسین علیهما السلام نقل شده است؛ از جمله، این روایت که فرمود: «داستان اهل بیت من مانند کشتی نوح است که هر کس در آن قرار گرفت، نجات یافت و هر کس تخلف کرد، هلاک شد.» (۱)

ابن عباس گفته است: وقتی که این آیه نازل شد: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (۲)، مردم گفتند: ای رسول خدا! آن خویشاوندانت که دوستی شان را بر ما واجب کردی چه کسانی اند؟

ص: ۴۲

۱- مثل اهل بیتی مثل سفینه نوح، من رکبها نجا و من ترکها غرق؛ السیوطی، الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۵۳۳؛ الطبری، ذخائر العقبی، ص ۲۰، الهیثمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۸.

۲- ای پیامبر! بگو من از شما، مزدی برای رسالت نمی خواهم بجز دوستی نسبت به خویشانم. شوری ۲۳/

فرمود: «علی و فاطمه و دو فرزندشان»^(۱).

عبدالله عمر از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره حسن و حسین علیه السلام چنین نقل کرده

است: «... حسن و حسین دو گل خوشبوی من در دنیا هستند»^(۲).

۴- امام زین العابدین علیه السلام

علی بن حسین، پدرش امام حسین، فرزند علی علیه السلام، ملقب به سجاد و زین العابدین علیه السلام است زیرا سجده و عبادتش زیاد بود. در سال (۳۸ هـ) متولد شد و در سال (۹۵ هـ) وفات یافت. ابن حجر محدث در کتاب الصواعق المحرقة نوشته است: «زین العابدین کسی است که از جهت دانش و زهد و عبادت، قدم جای قدمهای پدرش گذاشت»^(۳). امام مالک در وصف او گفته است: «در میان اهل بیت کسی مثل علی بن حسین نبوده است»^(۴). امام شافعی آن حضرت را چنین توصیف کرده است: «علی بن حسین، افقه اهل مدینه است»^(۵).

۵- امام محمد باقر علیه السلام

پدرش امام علی بن حسین، سجاد می باشد. وی در سال (۵۷ هـ)

ص: ۴۳

۱- السیوطی، الدر المنثور، ج ۶، ص ۷؛ ابن المغازلی، مناقب علی بن ابی طالب، ص ۳۰۷؛ زمخشری، کشاف؛ قرطبی، الجامع لأحكام القرآن.

۲- ... هما ریحانتای من الدنیا؛ صحیح بخاری، دارالفکر، ج ۴، ص ۲۱۷.

۳- ابن حجر هیثمی، الصواعق المحرقة، ص ۲۰۰.

۴- ابن حجر، تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۶۹.

۵- رسائل الجاحظ السیاسیه، ص ۴۵؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۲۷۴.

متولد و در سال (۱۱۴ هـ) وفات یافت. او کسی است که صحابی بزرگوار رسول خدا صلی الله علیه و آله جابرین عبدالله انصاری سلام پیامبر صلی الله علیه و آله را بر طبق وصیت آن حضرت به وی ابلاغ کرد. امام باقر علیه السلام استاد تمام

دانشمندان و مرجع فقها و مسلمانان در زمان خود بود. از این رو، ابن عماد حنبلی او را چنین تعریف کرده است: «ابو جعفر محمد باقر، از فقیهان اهل مدینه بود. او را «باقر» می گفتند زیرا علم را شکافته، ریشه و گوشه های پنهان آن را می شناخت و آن را گسترش می داد.» (۱) ابن سعد او را چنین ستوده است: «او مورد وثوق و از دانش و حدیث سرشار بود.» (۲)

۶- امام جعفر صادق علیه السلام

پدرش امام محمد باقر، فرزند علی بن حسین است. در سال (۸۳ هـ) متولد شد و در سال (۱۴۸ هـ) وفات یافت. او در علم و تقوا مانند پدرش استاد تمام دانشمندان بود و پیشوایان مذاهب و حدیث و تفسیر نزد او درس خواندند.

پیشوایان مذاهب و حدیث و رجال در وصفش گفته اند: او دانشمندترین مردم بوده و امام مالک و ابوحنیفه و جز اینها از پیشوایان فقه و حدیث در محضرش آموزش یافته اند. ابن حبان وقتی که در کتاب ثقات خود، درباره امام جعفر صادق علیه السلام سخن می گوید، او را چنین می ستاید: «...او از نظر فقاہت و علم و فضیلت از سروران

ص: ۴۴

۱- شذرات الذهب؛ ج ۱، ص ۱۴۹.

۲- الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۳۲۴.

اهل بیت بود. ثوری و مالک و شعبه و دیگر مردم از او حدیث روایت کرده اند.»^(۱) نسائی در کتاب الجرح و التّعدیل خود درباره او می گوید: «جعفر صادق مورد وثوق می باشد و مالک گفته است: مدّتها پیش او رفت و آمد داشتم و او را جز در یکی از این سه حالت ندیدم: یا در حال نماز بوده یا روزه داشت یا قرآن می خواند، و ندیدم او را که حدیث بگوید مگر این که با طهارت بود.»^(۲)

۷- امام موسی کاظم علیه السلام

پدرش امام جعفر بن محمّد بن الصادق علیه السلام در سال (۱۲۸ هـ) متولّد

شد و در سال (۱۸۳ هـ) در زندان هارون الرّشید به شهادت رسید.

حافظ رازی در دائره المعارف رجالی خود او را چنین می ستاید: «موسی بن جعفر بن محمّد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب، از پدرش نقل روایت کرده است. پسرش علی بن موسی و برادرش علی بن جعفر از او نقل روایت کرده اند. از پدرم عبدالرحمان شنیدم که می گفت: از پدرم راجع به او سؤال شد، پدرم گفت: او مورد وثوق، بسیار راستگو و یکی از پیشوایان مسلمانان می باشد.»^(۳)

۸- امام علی بن موسی الرضا علیه السلام

پدرش امام کاظم موسی بن جعفر علیه السلام می باشد. در سال (۱۴۸ هـ)

ص: ۴۵

۱- الثقات، ج ۶، ص ۱۳۱، باب جیم.

۲- ابن حجر، تهذیب التّهذیب؛ ج ۲، ص ۸۹ ت ۱۵۶، باب جیم.

۳- الجرح والتّعدیل، ج ۴، باب جیم.

متولد شد و در سال (۲۰۳ هـ) با سمّ به شهادت رسید. امام رضا علیه السلام در زمان خود، سرور اهل بیت و مورد توجه تمام مسلمانان بود تا آن جا که مأمون خلیفه عباسی، ناخواسته بر آن شد که او را ولیعهد خود قرار دهد و دخترش را به وی تزویج کند. امام رضا علیه السلام از نظر دانش، پارسایی و پرهیزگاری، همانند پدرانش بود. واقدی، تاریخ نگار رجالی، در وصف او گفته است: «امام رضا علیه السلام کاملاً مورد اعتماد بود و در حالی که بیست و اندی سال بیشتر عمر نداشت، در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله فتوا می داد.» (۱) پدرش حضرت موسی بن جعفر علیه السلام درباره او خطاب به سایر فرزندان فرمود: «این برادر شما علی بن موسی عالم آل محمد صلی الله علیه و آله است، درباره دینتان هر چه می خواهید از او پرسید و آنچه را برای شما می گوید، حفظ کنید.» (۲)

۹- امام محمد جواد علیه السلام

پدر آن حضرت، امام علی بن موسی الرضا علیه السلام است. او در سال (۱۹۵ هـ) متولد شد و در سال (۲۲۰ هـ) وفات یافت. سبط ابن جوزی در وصف امام جواد علیه السلام گفته است: «محمد جواد، محمد، فرزند علی بن موسی الرضا، فرزند جعفر، فرزند محمد (باقر)، فرزند علی، فرزند حسین، فرزند علی، فرزند ابوطالب می باشد و کنیه او ابو عبدالله و به قولی ابو جعفر است. وی از حیث دانش، پرهیزگاری، زهد و

ص: ۴۶

۱- ابن جوزی، تذکره الخواص، ص ۱۹۸.

۲- هذا اخوكم علی بن موسی، عالم آل محمد صلی الله علیه و آله فسلوه عن ادیانکم و احفظوا ما یقول لکم. الطبرسی؛ اعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۳۲۸، ط ۳.

۱۰- امام علی الهادی علیه السلام

پدرش امام محمد جواد، فرزند علی بن موسی است. او در سال (۲۱۴ هـ) متولد شد و در سال (۲۵۴ هـ) در گذشت. ذهبی در معرفی آن حضرت گفته است: علی بن محمد بن موسی، فرزند جعفر بن محمد بن زین العابدین، السید الشریف، ابوالحسن علوی حسینی فقیه، یکی از دوازده امام است و طایفه امامیه، او را هادی می خوانند. (۲) رجالی معروف، ابوالفلاح حنبلی درباره آن حضرت گفته است: «او فقیه، پیشوا و اهل عبادت بود.» (۳)

۱۱- امام حسن عسکری علیه السلام

پدرش امام علی بن محمد علیه السلام هادی است. او در سال (۲۳۲ هـ) متولد شد و در سال (۲۶۰ هـ) در گذشت. سبط ابن جوزی حنفی او را چنین توصیف کرد است: «او دانشمندی مورد وثوق بود و از پدر و جدش روایت می کرد.» (۴)

ص: ۴۷

۱- تذکره الخواص، ص ۱۹۸.

۲- تاریخ الاسلام، ص ۲۱۸، حوادث و وفیات سال ۲۵۱ - ۲۶۰ هـ.

۳- ابن العماد الحنبلی، شذرات الذهب، ج ۲، ص ۱۲۸ - ۱۲۹ - المجلد الأول.

۴- تذکره الخواص، ص ۳۶۲.

پدرش امام حسن عسکری علیه السلام فرزند علی العسکری است. او در سال (۲۵۵ هـ) متولد شد. روایت بسیاری درباره مهدی آل محمد (عج) وارد شده و افراد بسیاری از اصحاب رسول اکرم صلی الله علیه و آله آنها را نقل

کرده اند؛ از قبیل امام علی بن ابی طالب و عثمان بن عفان و عمّار بن یاسر و ابوهریره و عبدالله بن عباس و عبدالله ابن مسعود و امّ سلمه و حذیفه بن یمان و بسیاری دیگر غیر از اینها. از جمله این روایات این است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده: «مهدی از ما خاندان است؛ خداوند در ظرف یک شب کارش را سامان می دهد.»^(۱) همچنین از آن حضرت نقل شده است: «مهدی از عترت من، از اولاد فاطمه علیها السلام است.»^(۲) به این طریق، قرآن و پیامبر و دانشمندان و تاریخ نگاران با اختلاف روشها و گرایشهایشان، شخصیت امامان دوازده گانه یعنی علی و دو فرزندش؛ حسن و حسین و نه نفر از فرزندان حسین علیه السلام را معرفی می کنند. این بزرگواران چنان که می دانیم علم و دانش را به ترتیب، پسر از پدر و از جدشان رسول خدا، ارث می برند و روش پیامبر صلی الله علیه و آله را ادامه می دهند و نمایانگر گستره طبیعی راه اسلامی هستند که رسول اکرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله آغازگرش بود.

ص: ۴۸

-
- ۱- المهدی منّا اهل البيت يصلحه الله فی ليله؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۸۴، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۷، ح ۴۰۸۵.
 - ۲- المهدی من عترتی، من ولد فاطمه؛ سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۲۰۸؛ المستدرک، حاکم، ج ۴، ص ۵۵۷.

چون مذهب، تنها روش برای درک اسلام و راه روشن ساختن مفاهیم آن است، بر آن شدیم که پایه های اساسی اسلام را، چنان که در مکتب خاندان نبوت معرفی شده، به طور مختصر بیان کنیم.

۱- توحید

«نخستین پله دیانت، شناخت ذات باری تعالی و آخرین مرحله شناختش، ایمان به حقانیت اوست و کمال ایمان آوردن به وی، اعتقاد به یکتایی اوست و کمال اعتقاد به یگانگی اش، خلوص برای او می باشد.»^(۱)

ریشه اصلی و پایه اساسی، که تمامی ارکان عقیده اسلامی بر آن استوار است و ایمان به همه پیامبران به آن خبر داده اند یکتایی خدای سبحان و منزّه دانستن ذات پاک او از همه ویژگیهای آفریدگان و اثبات

ص: ۴۹

۱- اول الدین معرفته و کمال معرفته، التصدیق به، و کمال التصدیق به، توحیده و کمال توحیده، الاخلاص له؛ الأمام علی علیه السلام، نهج البلاغه، الخطبه الأولى.

کمال بی نهایتش و ثابت کردن نامهای نیک برای او می باشد، چنان که راهنمای عالم هستی، پیامبر ما، حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرموده است. از این رو، قرآن به معرّفی توحید و بیان صفات خداوند و ذکر نامهای اختصاص یافته است. پس خداوند سبحان با وحی به پیامبرش، خود را به آفریدگانش شناسانده و عظمت و یگانگی خویش را به درک و فهم عقول و خردها رسانیده است. چون در میان اهل تفسیر، اندیشه های مختلف به وجود آمد و مذاهب گوناگون کلامی پدیدار گشت و اختلاف عقیده در فهم قرآن، آنان را از یکدیگر جدا ساخت و افکاری منحرف از قبیل تجسیم، تشبیه، غلو، جبر، تفویض و ... پیدا شد، امامان اهل بیت به منظور اصلاح اندیشه اعتقادی و مبارزه بابتدعتهای و گمراهیها قیام کردند و جامعه اسلامی را به چنگ زدن به عقیده توحیدی قرآن، که همان عقیده آنها در توحید بود، فرا خواندند. یکی از یاران امام جعفر صادق علیه السلام در نامه ای به آن حضرت نوشت: «در سرزمین عراق مردمی پیدا شده اند که خدا را به داشتن شکل و صورت توصیف می کنند - فدایت شوم - اگر صلاح می دانی مذهب صحیح را درباره توحید برایم بنویس» امام برای او نوشت: «خدا تو را رحمت کند. درباره توحید و آنچه آنان که پیش از تو بوده اند، به آن اعتقاد داشته اند سؤال کردی؛ بزرگ است خدایی که مثل و مانند ندارد و او شنوا و بیناست.

خدا منزّه است از آنچه توصیف کنندگان، تشبیه کنندگان او به مخلوقاتش و افترا زنندگان بدو، وی را وصف می کنند. بدان - خدا تو را رحمت کند - نظریّه درست در اصل توحید همان ویژگیها و صفات خداوند می باشد که قرآن آنها را ذکر کرده است. بنابراین، بطلان و تشبیه را از خدای تعالی نفی کن. در خدای تعالی، نفی و تشبیه نیست.

او خداوند ثابت و پاک و منزّه است از آنچه او را وصف کنندگان توصیف می کنند؛ و از قرآن تجاوز نکنید که بعد از آن گمراه می شوید.»^(۱)

مذهب شیعه، اندیشه اعتقادی خود را بر پایه این نظریه پایه ریزی کرده و اصل بنا و قطعات آن را بالا برده است. بنابراین، ائمه اهل بیت، با عقیده تجسیم و تشبیه و حلول و اتحاد و غلوّ و با طرفداران این عقیده و معتقدان به تفویض مبارزه کردند و از آنها بیزارى جستند و آنان را مورد لعنت قرار دادند. و فقهای شیعه امامیه حکم به کفر و نجاست آنها صادر کردند. شیخ مفید - یکی از بزرگان شیعه امامیه در قرن چهارم هجری - نظریه شیعه را درباره آنها (غلاه) تثبیت کرده و گفته است: «طایفه غالی از آنان که تظاهر به اسلام می کنند، کسانی هستند که امیر مؤمنان و سایر امامان از فرزندان آن حضرت را خدا و پیامبر می دانند و از نظر فضیلت دینی و دنیایی برای آنان اوصافی بیشتر از حدّ مجاز قایل اند و از حدّ اعتدال بیرون رفته، گمراه و کافرند. امیر مؤمنان حکم کرد آنان را بکشند و به آتش بسوزانند»^(۲) و ائمه اطهار حکم به کفر و خروج آنها از اسلام دادند.»^(۳)

به این طریق، روش شیعه امامیه در فهم توحید روش قرآنی مبنی بر

ص: ۵۱

۱- سألت رحمك الله عن التوحيد و ما ذهب اليه من قبلك فتعالى الله الذي ليس كمثل شىء و هو السميع البصير، تعالى عما يصفه الواصفون والمشبّهون الله بخلقه المفترّون على الله فاعلم رحمك الله، انّ المذهب الصحيح فى التوحيد، ما نزل به القرآن من صفات الله عزّوجلّ، فانف عن الله تعالى البطلان والتشبيه، فلا نفى ولا تشبيه، هو الله الثابت، تعالى الله عما يصفه الواصفون و لاتعدوا القرآن فتضلّوا بعد البيان؛ الكليني، الاصول من الكافي، ج ۱، باب التوحيد.

۲- منظور، عبدالله سبا و ياران اوست.

۳- شيخ مفيد، شرح عقايد صدوق، ص ۲۳۹.

پایه یگانگی خدا در ذات و صفات و افعال و توحید در عبادت است چنان که هیچ شریکی برایش نباشد. این روش است که شیعه را به مبارزه فکری با صاحبان اندیشه ها و گروههای مختلف و فلسفه های گوناگون که مانع درک صحیح نسبت به روش توحید قرآنی است، وادار کرده است.

۲- عدل خداوند

بر مبنای توحید خداوند و دوری او از صفت ناپسند ظلم در امر تکلیف بندگان و کیفر و پاداش برای خداوند، اصل عدل را ثابت کرده و گفته است: خدای تعالی بندگان را به کارهایی برتر از قدرت و توانشان مکلف نمی سازد. شیعه همچنین نظریه جبر و تفویض را نفی کرده و گفته است: انسان در انجام کارها قدرت بر انتخاب و اختیار دارد. آنها ایمان دارند به این که اطاعت و معصیت از اختیارات انسان می باشد و او آزاد است و در کارهایش مجبور نیست. از این رو در مقابل کارهایش مسؤول است و مجازات می شود. طایفه شیعه، این نظریه خود را بر مبنای آیه قرآن بنیاد نهاده اند «وهدیناه النجدين» (۱) و نیز این آیه: «إنا هدیناه السبیل إِمَّا شَاكِرًا وَاِمَّا كَفُورًا» (۲).

امام صادق علیه السلام این موضوع را در پاسخ یکی از یارانش که از او پرسید: «آیا خداوند کارها را به بندگان تفویض کرده است؟ روشن

ص: ۵۲

۱- و آیا راه خیر و شر را به او ننموده ایم؟ بلد / ۱۰.

۲- ما راه را به انسان نمایانده ایم، حال اگر خواهد شکر کند راه هدایت ببیماید و اگر بخواهد، می تواند کفران ورزد. انسان

۳/

ساخته، فرمود: خدا بزرگوارتر از آن است که امور را در بست به بندگانش واگذار کند. گفتم: پس بندگانش را بر گناهان مجبور ساخته است؟ امام فرمود: خدا عادلتر از آن است که بنده اش را بر انجام کاری مجبور کند و سپس او را در مقابل آن کار کیفر دهد.» (۱)

۳- نبوت

بر اساس اصل توحید، ایمان به نبوت و پیامبران الهی امری ضرور است زیرا «پیامبر، انسانی است که بدون واسطه هیچ بشری از جانب خدا خبر می دهد.» (۲) پیامبر کسی است که امور رسالت و معارف و آموزشهای الهی را از طریق وحی به وسیله فرشته وحی از مقام ربوبی می گیرد؛ چنان که گاهی به وسیله الهام یا در حالت خواب نیز وحی را دریافت می کند.

پیامبران، برگزیدگان خداوند از میان انسانها هستند که خدا به فضل خود آنها را برگزیده، به این دلیل که می داند آنها شایسته تحمّل بار رسالت می باشند و آنان را از ارتکاب معاصی محفوظ داشته تا مقتدای بشریت باشند و با گفتار و کردارشان احکام و مبنای شرع انور را بیان

کنند. قرآن، تاریخ بعثت انبیا را چنین ترسیم می کند: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ...» (۳)

ص: ۵۳

۱- الله اكرم من ان يفوض اليهم... الله اعدل من ان يجبر عبداً على فعل ثم يعذبه عليه؛ توحيد صدوق، ص ۳۶۱.

۲- مقداد السيوري، شرح الباب الحادي عشر، ص ۳۴.

۳- مردم يك گروه بودند پس خداوند پیامبرانی برای بشارت نیکوکاران و ترساندن بدکاران فرستاد و با آنها برآستی کتاب فرستاد تا میان مردم در اختلافاتشان حکم کند... بقره ۲۱۳.

یکی از اصول اساسی در اندیشه اسلامی، اصل امامت است یعنی جانشینی نبوت و ادامه عمومی وظایف پیامبر در رهبری جامعه و بیان احکام و پیاده کردن قوانین و محافظت از آن.

در جاهای دیگری از کتاب، راجع به این موضوع کاملاً بحث شده و نیازی به تکرار نیست.

۴- معاد

«لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ...» (۱).

«وَلَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (۲).

ایمان به آخرت و زندگی و حشر پس از مرگ و اعتقاد به روز حساب و پاداش اعمال، یکی از ارکان اساسی ساختار اعتقاد اسلامی و مکتب تمام پیامبران است.

همه مسلمانان بر عقیده به معاد جسمانی اتفاق دارند، جز اندکی از فلاسفه که اعتقاد به معاد روحانی دارند؛ چنان که تمام مسلمانان به عالم برزخ ایمان دارند. عالم برزخ، عالمی است میان مرگ و روز قیامت که

ص: ۵۴

۱- نیکی این نیست که روهایتان را به طرف مشرق و مغرب بگردانید بلکه نیکی، نیکی کسی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب و پیامبر خدا ایمان آورد. بقره ۱۷۷.

۲- آنان را که در راه خدا کشته شده اند، مرده مپندارید بلکه آنان زنده اند و نزد پروردگارشان به آنها روزی داده می شود. آل عمران ۱۶۹.

شامل سؤال قبر و عذاب و خوشیهای آن می شود.

بزرگ اندیشمندان امامیه، نظریه این مذهب را در این اصل اعتقادی چنین شرح داده اند: علامه حلی، در حالی که راجع به ایمان به معاد و پاداش و کیفر سرای دیگر بحث می کند، می گوید: «عقیده به معاد، اصل مهمی و اثبات آن از ارکان دین می باشد و به اجماع، منکر آن کافر به شمار می رود و هر کس عقیده به معاد جسمانی و ثواب و عقاب و اوضاع قیامت نداشته باشد، به اجماع مسلمانان کافر است.»^(۱)

علامه مجلسی، نظریه دانشمندان امامیه را درباره زندگی برزخی این طور نقل می کند: «عذاب برزخ و ثواب در آن عالم، از چیزهایی است که تمام جوامع اسلامی از گذشتگان و آیندگان بر آن اتفاق دارند و بیشترین اهل ادیان به آن معتقدند و کسی از مسلمانان منکر آن نیست مگر تعداد اندکی که مورد اعتنا نیستند و از تمام علمای گذشته و پیروانشان بر مخالفت با این گروه اندک، اجماع شده است و احادیثی که

از طریق عامه و خاصه مربوط به اصل معاد ذکر شده، تواتر معنوی دارد...»^(۲)

ص: ۵۵

۱- نهج الحق و كشف الصدق، ص ۳۷۶.

۲- مجلسی؛ بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۲۰.

در ادامه بحث از معاد و عالم آخرت، لازم است درباره موضوع شفاعت که وابسته به عالم آخرت و حساب و جزا می باشد نیز سخن بگوییم زیرا ما می دانیم که تمام مسلمانان همانطور که به معاد جسمانی و عالم برزخ و کیفر و پاداش عقیده دارند، به شفاعت نیز ایمان نیز دارند، و پس از آن که نصوص عدیده ای از قرآن و سخنان رسول اکرم صلی الله علیه و آله شفاعت را اثبات کرد، به شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان وی و صالحان و شهیدان و مؤمنان، ایمان آوردند. خدای تعالی می فرماید: «و لا یشفعون الا لمن ارتضى...» (۱) «و لا تنفع الشفاعة عنده الا لمن اذن له...» (۲)

ابوذر غفاری از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده است که فرمود: «من از پروردگرم شفاعت ائتم را در خواست کردم، آن را به من عطا کرد و شفاعت من به خواست خداوند کسانی را شامل می شود که هیچ شریکی برای خدا قایل نباشند.» (۳)

ص: ۵۶

۱-... شفاعت نمی کنند مگر برای کسی که خدا بخواهد. انبیاء ۲۸.

۲- شفاعت در نزد خدا سودی ندارد مگر برای کسی که خدا اجازه دهد. سبأ ۲۳.

۳- اَنی سألَ رَبی الشَّفاعةَ لِأُمَّتی فَأَعْطانیها، وهی نائله ان شاء الله لمن لا یشرک باللّٰه عزّوجلّ، شیئاً؛ مسند احمد، ج ۵، ص ۱۴۹.

ابوسعید خدری روایت کرده است که پیامبر فرمود: «یک فرد از ائمتم برای گروههایی از مردم شفاعت می کند و همه آنها به شفاعت او وارد بهشت می شوند و برای قبیله ای از مردم شفاعت می کند، همه آنها نیز وارد بهشت می شوند و گاهی از یک انسان و خانواده اش شفاعت می کند و آنها هم به شفاعت او داخل بهشت می شوند.» (۱)

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «هر کس سه چیز را منکر شود از شیعیان ما نیست: معراج، سؤال در قبر و شفاعت.» (۲)

شایان ذکر است که ایمان به شفاعت به این معنا نیست که در انجام دادن و ترک اعمالی که خدا از انسان خواسته، کوتاهی شود.

قاعده کلی راجع به مزد اعمال، این قول خداوند است: «و ان لیس للانسان الا ما سعی» (۳) و نیز «فمن يعمل مثقال ذره خیرا یره* و من يعمل مثقال ذره شرا یره» (۴) جز این که خداوند با لطف و مرحمتش کار

را بر بندگانش سبک می گیرد و به سبب قبولی شفاعت از برخی گناهانشان در می گذرد چرا که ایمان آنها و عبادت‌هایشان سبب می شود که از آنها شفاعت شود و گناهانشان مورد عفو قرار گیرد.

ص: ۵۷

۱- ان الرّجل من امّتی لیشفع للفئام من النّاس فیدخلون الجنّه بشفاعته وان الرّجل لیشفع للقبیله من النّاس فیدخلون الجنّه بشفاعته وانّ الرّجل لیشفع للرّجل واهل بیته، فیدخلون الجنّه بشفاعته؛ مسند احمد، ص ۶۳.

۲- من انکر ثلاثه اشیاء، فلیس من شیعتنا؛ المعراج والمسائله فی القبر والشفاعه؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸، ص ۳۷.

۳- چیزی برای انسان نیست، جز آنچه با کوشش به دست آورد. نجم/ ۳۹.

۴- پس هر کس به اندازه ذره ای کار خوب انجام داده است، آن را می بیند و هر کس به اندازه ذره ای کار بد مرتکب شده، آن را نیز می بیند. زلزله ۷/ ۸-۸.

«ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»^(۱) دین اسلام مجموعه ای است از دستورها و قوانین الهی که پیامبر اکرم، حضرت محمد صلی الله علیه و آله آنها را برای نظام بخشیدن به زندگی انسانها و پیاده کردنشان در تمام زمینه های حیات آورده است.

مرحوم شهید صدر، که از بزرگترین دانشمندان معاصر شیعه امامیه است، در تعریف حکم شرعی می گوید: «دستور شرعی، قانونی است که از سوی خداوند به منظور جهت دادن به زندگی انسان و منظم ساختن آن صادر می شود.»^(۲) نزد تمام ما روشن است که مسلمانان در زمان رسول خدا، احکام و قوانین را از خودش می گرفتند و او از طرف خدا، رساننده احکام بود و قوانین و دستورهایی قرآنی را که نیاز به

توضیح داشت، برای مردم روشن می ساخت.

قرآن برای تمام انسانها بیان کرده است که کتاب خدا (قرآن) و سنت

ص: ۵۸

-
- ۱- سپس ما تو را در راهی از امر دین قرار دادیم، آن را پیروی کن و از هوسهای کسانی که نادان اند پیروی مکن. جاثیه ۱۸.
 - ۲- دروس فی علم اصول الفقه، الحلقه الثانیه، ص ۱۳.

پیامبر بزرگوار او، دو منبع عظیم قانونگذاری و تشریح احکام می باشند. به این بیان «ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيْعِهِ مِنَ الْأُمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (۱) و به این بیان: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (۲).

امامانِ اهل بیت و نیز کسانی که در مسیر آنها گام نهادند و گرایش فکری آنان را برگزیدند، همین راه را پیمودند و تلاشهای علمی و مبارزات فکری و سیاسی خود را برای حفظ کتاب خدا و سنت پیامبر بزرگوارش حضرت محمد صلی الله علیه و آله ادامه دادند.

امام باقر علیه السلام درباره توضیح این روش فرموده است: «خدای تبارک و تعالی هیچ چیزی را که امت به آن نیازمندند فرو گذار نکرده مگر این که آن را در کتابش آورده و برای پیامبرش بیان کرده و برای هر چیزی حدی قرار داده و دلیلی بر آن اقامه فرموده و برای هر کسی که از این محدوده تجاوز کند، کیفری مقرر ساخته است.» (۳)

امام صادق علیه السلام نیز در تأکید و تثبیت این حقیقت به عنوان یک خط

فکری و قانونی در حضور یاران و شاگردانش از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر حقی دارای حقیقت است و هر کار درست، نورانی و روشن است. پس آنچه را با کتاب خدا موافق است بگیری و آنچه را با

ص: ۵۹

۱- این آیه در آغاز بحث ترجمه شد.

۲- آنچه پیامبر به شما دستور می دهد فراگیرید و آنچه شما را از آن باز می دارد، ترک کنید. حشر / ۷.

۳- اِنَّ اللّٰهَ تَبَارَكَ وَتَعَالٰى لَمْ يَدْعُ شَيْئًا يَحْتَاجُ اِلَيْهِ الْاُمَّةُ اِلَّا اَنْزَلَهُ فِيْ كِتَابِهٖ وَبَيَّنَّهٖ لِرَسُوْلِهِ صَلٰى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهٖ وَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حُدًّا وَجَعَلَ عَلَيْهِ دَلِيْلًا يَدُلُّ عَلَيْهِ وَجَعَلَ عَلٰى مَنْ تَعَدٰى ذٰلِكَ الْحَدَّ حُدًّا؛ کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۵۹.

آن مخالف است، رها کنید.»^(۱)

بار دیگر به منظور تأکید بیشتر درباره این اصل فرموده است: «هر چیزی به کتاب و سنت برگشت داده می شود، هر حدیثی که موافق کتاب نباشد، باطل است.»^(۲)

همچنین امام جعفر صادق علیه السلام در توضیح منابع احکام و فتوا که امامان اهل بیت علیهم السلام در بحثها و پاسخها و بیاناتشان به مردم ارائه می دهند، فرموده است: «ما هر گاه سخنی بگوییم بر طبق قرآن و سنت می گوئیم...»^(۳)

امام موسی بن جعفر علیه السلام آنگاه که یکی از یارانش درباره منبع احکام و فتاوی که از آنان صادر می شود، پرسید: «آیا همه چیز در کتاب خدا و سنت پیامبر یافت می شود یا شما خود از آن سخن می گوئید؟ فرمود: همه چیز در کتاب و سنت پیامبر وجود دارد.»^(۴)

بهرتر آن است که از چگونگی رشد مکاتب فقهی و ریشه های

تاریخی و عقیدتی آن و نیز از پیدایش مکتب اهل بیت و مشخصات آن، تعریفی مختصر و مفید ارائه دهیم.

چنان که معلوم است، صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله خود، صاحب اندیشه سیاسی و صادر کننده فتوا و آگاه به سنت و قرآن بودند و در این امر بعضی با بعضی دیگر اختلاف داشتند تا جایی که برخی از فقها و

ص: ۶۰

۱- انّ علی کل حقّ حقیقه و علی کل صواب نوراً، فما وافق کتاب الله فخذوه و ما خالف کتاب الله فدعوه؛ کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۶.

۲- کلّ شیء مردود الی الکتاب و السنّه و کلّ حدیث لایوافق کتاب الله فهو زخرف؛ کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۶.

۳- انا اذا تحدّثنا، حدّثنا بموافقه القرآن و موافقه السنّه؛ رجال الکشی، ج ۲، ص ۴۸۹.

۴- ...بل کلّ شیء فی کتاب الله و سنّه نبیه؛ کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۶۲.

دانشمندان علم اصول، جنبه علمی و فکری آنان را مذهب صحابی نامیدند چنان که سیره عملی هر یک را سنت صحابی گفتند.

شاطبی در کتاب موافقات خود، گفته است: «سنت صحابی، سنتی است که صحابی بر طبق آن عمل و به آن مراجعه می کند...»^(۱)

ابوحنیفه گفته است: «اگر مسأله ای را در کتاب خدا و سنت رسولش نیابم به گفتار صحابه رجوع می کنم و در این امر قول هر کدام را بخواهم می گیرم و هر یک را نپسندم ردّ می کنم.»^(۲)

آمدی حنبلی گفته است: «تمام مسلمانان اتفاق دارند بر این که مذهب صحابی در مسائل اجتهادی بر غیر خودش از مجتهدین صحابه حجّیت ندارد، خواه آن غیر، امام باشد یا حاکم و یا مفتی. اما در حجّیت داشتن آن بر مجتهدینی که از تابعین یا بعد از آنها باشند، اشاعره و معتزله و شافعی در یکی از دو قولش و احمد حنبل، بنا بر یکی از دو قولی که از او نقل شده، و نیز کرخی، بر این عقیده اند که حجّیت ندارد... و قول حق، آن است که بکلی و به هیچ نحو حجّیت ندارد.»^(۳)

امّا پیروان اهل بیت آنچه را که از امام علی علیه السلام و اهل بیت او صادر شده از میان تمام صحابه و تابعان و بعد از آنها برگزیده و تنها همان را به عنوان حجّتی که اطاعتش واجب است معتبر دانسته اند زیرا نزد مسلمانان ثابت شده است که پیامبر به اعلمیّت علی از تمام صحابه و مرجعیّت او در فتوا و بیان احکام، تصریح فرموده است. روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی این آیه را تلاوت کرد: «و تعیها اذن واعیه»^(۴)

ص: ۶۱

۱- الشّاطبی، کتاب الموافقات، ج ۴، ص ۷۴.

۲- الخطیب البغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۶۸.

۳- اصول الأحکام، طحاوی، ج ۲، ص ۱۵۵.

۴- گوش شنوای هوشمندان، این پند و اندرزها را می شنود. حاقه ۱۲/.

به علی علیه السلام نگاه کرد و فرمود: از پروردگارم خواسته ام که این گوش را گوش تو قرار دهد، علی علیه السلام گفت: «پس هیچ چیز از رسول خدا نشنیدم که آن را فراموش کنم.»^(۱) و مثل این سخن رسول خدا که فرمود: «علی بهترین داور شماست.»^(۲) و نیز: «من شهر علمم و علی دروازه آن است.»^(۳) و از آن حضرت روایت شده است: «من در میان شما دو شیء گرانبها می گذارم که یکی از دیگری بزرگتر است: کتاب خدا (قرآن) و عترت من (اهل بیت) پس بیندیشید که چگونه درباره این دو از من نیابت می کنید زیرا این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی گردند تا در حوض

بر من وارد شوند.» به این طریق، مکتب شیعه امامیه، از جنبه های رهبری و اعتقادی و علم احکام (فقه) و حدیث و تفسیر و جز اینها، ادامه دهنده مکتب علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام است. موقعی که اجتهاد متکی به رأی (گمان پردازی) پیدا شد و مذاهب فقهی از قبیل مذهب ابوحنیفه و مالک و شافعی و احمد (بن حنبل) به وجود آمد، پیروان مذهب اهل بیت، التزام به فقه دو امام بزرگوار، امام محمد باقر و جعفر صادق علیهما السلام را که ابوحنیفه و مالک و گروهی از محدثان و فقها در مکتب او شاگردی کرده اند، ادامه دادند. این مکتب اسلامی پیوسته به دست ائمه اهل بیت تحوّل می یافت و رشد می کرد، در حالی که به کتاب خدا و

ص: ۶۲

۱- سألت ربّي ان يجعلها اذنك... فما سمعت شيئاً من رسول الله صلى الله عليه و آله فنسيته. این روایت را ابن جریر طبری در تفسیرش و زمخشری در کشف و هیثمی در مجمع خود و سیوطی در درّالمنثور و متقی هندی در کنز العمال ج ۶، ص ۴۰۸ و واحدی در اسباب النزول ذکر کرده اند.

۲- علیّ اقضاکم؛ الاستیعاب، ابن عبدالبرّ قرطبی، ج ۳، ص ۳۸، در حاشیه الأصابه.

۳- انا مدینه العلم و علیّ بابها؛ الطبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۵۵، حدیث، ۱۱۰۶۱.

سنت پیامبرش همچون منبع قانونگذاری و استنباط احکام تکیه داشت. فقیه معاصر، مرحوم شهید سید محمد باقر صدر در تأکید و تأیید این شیوه فقهای امامیه چنین می گوید: «منابع فتوا؛ اکنون لازم می دانیم به طور مختصر و مفید به منابعی اشاره کنیم که در استنباط فتاوی روشن و به صورت اصلی اعتماد ماست و اینها چنان که در آغاز سخن گفتیم عبارت اند از کتاب (قرآن) کریم و سنت شریف که از طریق پارسایان مورد اعتماد در نقل روایات به ما رسیده باشد در هر مذهب که خواهند باشند، اما قیاس و استحسان و مانند اینها، وجهی برای اعتماد بر آنها نمی بینیم.»

«اما دلیل عقلی که اهل اجتهاد و حدیث درباره جواز عمل بر طبق آن، اختلاف دارند - هر چند ما عمل به آن را جایز می دانیم - ولی هیچ حکمی را پیدا نکرده ایم که اثبات آن بر دلیل عقلی به این معنا، توقّف داشته باشد، بلکه هر حکمی که اثبات آن به دلیل عقلی است، در عین

حال به کتاب و سنت نیز اثبات می شود.» «ولی اجماع، منبع مستقّلی در مقابل کتاب و سنت نیست و اعتماد به آن نمی شود مگر به خاطر این که در بعضی حالات سبب اثبات مطلبی می شود. بنابر این، تنها دو منبع مستقل، قرآن و سنت می باشد و امیدواریم که خدای متعال ما را از چنگ زندگان به این دو قرار دهد چرا که هر کس به آنها تمسک کند: «فقد استمسک بالعره الوثقی لا انفصام لها و الله سمیع علیم» (۱) به دستگیره محکمی چنگ زده است که هرگز نخواهد گسست.» (۲)

ص: ۶۳

۱- بقره ۲۵۶.

۲- شهید محمد باقر صدر، الفتاوی الواضحه، ص ۹۸.

قرآن، نامه جاودانی الهی است که خداوند سبحان، آن را از تحریف و راه یافتن باطل، که تورات و انجیل به آن مبتلا بودند، محفوظ داشته است چنان که خود قرآن می گوید: «أَنَا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَأَنَا لَهُ لِحَافِظُونَ»^(۱) و نیز فرموده است: «إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ»^(۲).

باید توجه کرد که بعضی دروغ گویان و خبر سازان، روایاتی را جعل کرده اند که درباره نصّ قرآن نسبت تحریف به زیاده و نقصان می دهد. اما دانشمندان شیعه امامیه این ادعا را نپذیرفته و به شدت منکر شده اند، و به کامل بودن قرآن و محفوظ بودن آن از تحریف قایل گشته اند و به این دلیل، این حقیقت بزرگ را - به منظور دفاع از قرآن و سلامت و حفظ متن آن - در کتابها و مناظراتشان آورده اند. ما از این جمله چیزی

را ذکر می کنیم که شیخ طوسی - بزرگترین عالم شیعی قرن چهارم هجری - گفته است:

ص: ۶۴

۱- ما خود قرآن را نازل کرده ایم و خود حافظ آن هستیم. حجر/ ۹.

۲- ما خود، آن را گرد آورده، بر تو فراخوانیم. قیامه/ ۱۷.

«امّا سخن از زیاده و نقصان در قرآن هیچ شایسته آن نیست زیرا تحریف به زیادی در قرآن به اجماع باطل است و در مورد نقصان هم از ظاهر مذهب مسلمانان، خلاف آن، برمی آید یعنی چیزی از قرآن کم نشده و هم در مذهب ما شایسته تر و به صحت نزدیکتر است، و همین مطلبی است که سید مرتضی آن را تأیید کرده و از روایات نیز ظاهر می شود.»^(۱)

مفسّر بزرگوار، شیخ طبرسی می گوید: «مشهور میان دانشمندان و محققان شیعه بلکه آنچه همگی بر آن اتفاق دارند، عدم تحریف قرآن است.»^(۲)

شیخ صدوق که از علمای دو قرن سوم و چهارم هجری است، می گوید: «اعتقاد ما این است قرآنی که خدا بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل کرده، همین است که میان دو جلد قرار دارد و از این بیشتر نیست و هر کس به ما نسبت دهد که ما قایل به بیشتر از این هستیم، دروغ می گوید.»^(۳)

آیه الله سید ابوالقاسم خوئی که از بزرگترین فقهای امامی معاصر و از محققان آنهاست، می گوید: «لکن ما - ان شاء الله - بعد از این، بیان خواهیم کرد که آنچه عثمان از قرآن جمع آوری کرده، همان قرآن

مشهور میان مسلمانان است که دست به دست از پیامبر به مسلمانان رسیده است. بنابراین، تحریف به زیاده و نقیصه در مصاحفی واقع است که بعد از زمان عثمان از رده خارج شده^(۴) و امّا قرآن موجود، هیچ

ص: ۶۵

۱- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مقدّمه التفسیر باب الفنّ الخامس، طبری.

۲- الشیخ البلاغی، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۸.

۳- اعتقادات، شیخ صدوق، ص ۵۹.

۴- منظور مصاحفی است که از ناحیه عثمان امر شد آنها را بسوزانند.

شایان ذکر است که دانشمندان محقق، اتفاق دارند بر این که روایات حاکی از تحریف، که در کتابهای سنی و شیعی آمده است، ضعیف السیند و از اعتبار ساقط و غیر قابل اعتماد می باشد اما باید توجه کرد که در برخی از روایات منقول از پیشوایان اهل بیت که، از تحریف قرآن سخن می گوید، مقصود از تحریف قرآن، تحریف معانی آن از ناحیه بعضی مفسران، هوا پرستان، گمراهان و منحرفان می باشد و گفتار خداوند این موضوع را تصدیق می کند: «فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ، كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ.»(۲)

ص: ۶۶

۱- البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۱۷.

۲- اما گروهی که در دلشان میل به باطل است، از پی متشابه رفته، تا به تأویل آن در این، راه شبهه و فتنه گری پدید آرند؛ در صورتی که تأویل آن را کسی جز خدا نداند و اهل دانش گویند: ما به همه آن کتاب گرویدیم که همه آن از جانب پروردگار ما آمده و به این دانش و بر این معنا تنها خردمندان آگاه اند. آل عمران / ۷.

پیش از آن که سخن گفتن از قرآن را رها کنیم، لازم می‌دانیم موضوعی را روشن سازیم که به دلیل فهم نادرست آن؛ در بعضی اذهان ایجاد شبهه کرده و آن، اصطلاح (مصحف فاطمه) است. بر این اساس، یاوه سرایان به القای شبهه پرداختند و به منظور بر هم زدن وحدت مسلمانان، شبهه ای اعتقادی به وجود آوردند، یعنی گفتند: پیروان اهل بیت، به قرآن دیگری غیر از قرآن متداول میان مسلمانان عقیده دارند.

این اصرار مخالفان بر ایجاد شبهه و اشکال در فهم لفظ و اصطلاح، چنان است که قرآن از حال کسانی پرده برداشته است که به آنچه نزد اعراض کنندگان از فهم درست اندیشه سالم، شبهه برانگیز است، تَمَسَّكَ جَسْتَه اَنَد چنان که فرموده است: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ، فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ...» (۱)

ص: ۶۷

۱- این آیه با ترجمه و آدرس آن در آخر فصل گذشته ذکر شد - م.

اکنون برای این که بد اندیشی دشمنان و تعمیم آنها را در القای شبهه و شالوده ریزی آن روشن سازیم، باید به معنای لغوی کلمه «مصحف» توجه کنیم تا دریابیم که آیا این کلمه یکی از نامهای شرعی قرآن است یا نه و سپس به روایت امام صادق علیه السلام درباره مصحف فاطمه علیها السلام بپردازیم و خلاصه بفهمیم که حقیقت این مصحف چیست.

راغب اصفهانی می گوید: «هر صفحه گسترده را «صحیفه» گویند؛ مثل صفحه صورت و صفحه ای که روی آن نوشته می شود و جمع صحیفه، صحایف و صحف است. مصحف، مجموعه ای از صفحه های نوشته شده است و جمع آن، مصاحف می باشد.» (۱)

رازی می گوید: «صحیفه به معنای کتاب و جمع آن صحف و صحایف است. و مصحف، به ضمّ میم و کسر آن خوانده شده و اصل آن، ضمّه است زیرا از (فعل مجهول): أَصْحَفَ می باشد یعنی صفحاتی در آن جمع شده است.» (۲)

این لفظ را عرب شناخته و به معنای مجموع صفحاتی که چیزی در آن نوشته می شود به کار برده است، یعنی کلمه مصحف، اسم است برای کتابی که از مجموعه صفحاتی چند تشکیل شده و نامی برای قرآن نیست.

مسلمانان لفظ مصحف را وقتی بر کتاب خدا اطلاق کردند که

مجموعه ای از صفحات قرآن به صورت یک کتاب در یک مجلد جمع شد. بنابراین، واژه مصحف یک نام شرعی از نامهای کتاب خدا نیست

ص: ۶۸

۱- راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن.

۲- رازی، مختار الصحاح.

زیرا نامهای شرعی ویژه ای وجود دارد که خداوند کتاب خود را به آنها نامیده، از قبیل: (قرآن، فرقان، ذکر، کتاب، و کلام الله) همان گونه که برای قرآن ویژگیهای متعددی مانند نور مبین، سراج و هدی وجود دارد.

قرآن را خدای سبحان به نام «مصحف» نامگذاری فرموده بلکه مسلمانان پس از آن که آن را در نامه های متعددی جمع آوری کردند، این نام را روی آن گذاشتند. به این دلیل دانشمندان اسلامی، وقتی که از کتاب خدا سخن می گویند، اسم «مصحف» را به کار نمی برند بلکه نامهای: قرآن یا کتاب یا ذکر حکیم یا فرقان و یا کلام الله را به کار می گیرند. مقصود از روایت امام صادق علیه السلام درباره مصحف فاطمه علیها السلام سخن می گوید، علمی است نوشته شده در نامه ای که امامان علیهم السلام آن را از پیامبر صلی الله علیه و آله به ارث برده اند و متن آن چنین است: «و عندنا و الله مصحف فاطمه علیها السلام، اما و الله ما هو فی القرآن» (۱).

روایت دیگری که سخن از مصحف فاطمه علیها السلام به میان آمده چنین است: «...و عندنا و الله مصحف فاطمه علیها السلام ما فیہ آیه من کتاب الله و انه لاملاء رسول الله و خطه علی علیه السلام بیده...» (۲).

حدیث امام صادق علیه السلام که آشکارا می گوید: آنچه بر طبق روایت، رسول خدا بر امام علی علیه السلام املا کرده، قرآن نیست و در آن هیچ آیه ای از قرآن نمی باشد بلکه به این معناست که پیامبر صلی الله علیه و آله علوم و معارف و

ص: ۶۹

۱- به خدا قسم مصحف فاطمه علیها السلام نزد ماست؛ به خدا قسم چیزی از آن در قرآن نیست؛ بحار الأنوار مجلسی، ج ۴۷، ص ۲۷۱، زندگانی امام جعفر صادق علیه السلام.

۲- ... به خدا سوگند مصحف فاطمه علیها السلام نزد ماست؛ هیچ آیه ای از قرآن در آن نیست و آن به املائی رسول خدا و دستخط علی علیه السلام است؛ بحار الأنوار مجلسی، ج ۴۷، ص ۲۷۱، زندگانی امام جعفر صادق علیه السلام.

احکام را املا کرده و علی علیه السلام آن را در صحیفه ای برای فاطمه علیها السلام نوشته است. از این رو، مصحف فاطمه علیها السلام نامیده شده یعنی نوشته ای که پدر فاطمه، آن را برایش املا کرده و علی علیه السلام با دست خود نوشته است. و این که ائمه اهل بیت از این کتاب علوم و معارف را می آموزند. و این صحیفه، قرآن دیگری نیست، چنان که فتنه جویان تصوّر کرده اند زیرا دانشمندان اسلام با اختلاف مذهبشان به شیعه و سنی، اتفاق دارند به این که قرآنی که امروز مسلمانان در اختیار دارند، کاملاً همان چیزی است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده بدون این که کلمه ای کم یا زیاد شده باشد. چرا که خداوند سبحان خودش نگهداری و گردآوری آن را به عهده گرفته و فرموده است: «أنا نحن نزلنا الذكر وأنا له لحافظون» (۱) و نیز فرموده است: «انّ علینا جمعه و قرآنه» (۲).

دانشمندان و محققان، روایات نادر و ضعیفی را که مخالف با این اجماع و تواتر، درباره حفظ کتاب خدا برخی نویسندگان شیعه و سنی نقل کرده اند، مورد اعتنا قرار نمی دهند، بویژه کتابی که خدای تعالی از زمان پیامبر اکرم تا کنون، در هر عصری و میان هر نسلی صدها بلکه هزارها حافظ برایش آماده کرده است.

بعلاوه، قرآن در دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله نوشته و گردآوری شده بود و پیامبر صلی الله علیه و آله، تعدادی نویسنده، ویژه نوشتن وحی داشت و مسلمانان با توجه فوق العاده ای، نسلی پس از نسلی قرآن را به طور مستقیم از پیامبر صلی الله علیه و آله می گرفتند و با نوشتن، آن را به دیگران نقل می دادند، و حتی

ص: ۷۰

۱- ما خود قرآن را نازل کرده و خود، آن را حفظ کننده ایم. حجر ۹/.

۲- ترجمه اش گذشت.

گروهی از صحابه آنچه را از قرآن حفظ داشتند بر پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه کرده بودند و او را تثبیت و تقریر فرمود و علمای اهل بیت از قبیل صدوق و مفید و مرتضی و طوسی و علامه حلی، در طول قرن‌ها و جز اینها از دانشمندان در زمان ما، هر گاه در این موضوع بحث کردند، آن را به اثبات رساندند.

ص: ۷۱

تفسیر، این است «که روشن شود مقصود خداوند از آیات قرآن چیست». (۱)

از امام زین العابدین علیه السلام روایت شده است: «آیات قرآن، گنجینه هایی هستند، و هر گنجینه ای که گشوده گردد، شایسته است که در آن اندیشیده شود». (۲)

از دوران صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله تا زمان ما، مسلمانان به فهم و تفسیر قرآن اهمیت می دادند. از این رو، علم تفسیر در ساختار اندیشه اسلامی و پایه گذاری آن، تأثیر بسزایی دارد.

اصول فکری به سبب خطا در فهم و تفسیر قرآن به اختلاف و

انحراف کشیده شده است. اندیشه های گوناگون و روشهای فکری و فقهی فراوانی که در صفوف اسلامی به وجود آمده، به دلیل فهمها و استفاده های گوناگون از قرآن است.

ص: ۷۲

۱- سید ابولقاسم خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۲۱.

۲- آیات القرآن خزائن، فکلما فتحت خزینه ینبغی لک ان تنظر فیها؛ کلینی، اصول کافی، ج ۲، کتاب فضل القرآن.

علم تفسیر، ریشه‌ها و روش‌های ویژه‌ای دارد. از این رو، مکتب اهل بیت علیهم السلام برای آن ریشه‌ها و روش‌هایی برقرار کرده که بر پایه‌های زیر بنا شده است:

۱- پایبندی به حجّت ظهور: این مکتب توجّه دارد به این که آنچه از ظاهر قرآن بر طبق فهم درست عربی معلوم می‌شود، دلیلی است که پایبندی به آن لازم می‌باشد، زیرا قرآن به زبان عرب نازل شده و بر طبق نظام لغوی در زمان نزولش مردم را مورد خطاب قرار داده و فرموده است: «أنا انزلناه قرآنا عربيا لعلكم تعقلون» (۱).

۲- تفسیر قرآن به آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامانی که از آن حضرت گرفته‌اند، مبتنی باشد. در این صورت، پیامبر صلی الله علیه و آله و الهی‌بان کننده کتاب خدا و عارف نسبت به معنای آن است؛ چنان که می‌فرماید: «وما انزلنا عليك الكتاب الا لتبين لهم الذي اختلفوا فيه» (۲).

۳- در فهم قرآن و تفسیر آن باید به خرد توجّه شود، زیرا خود قرآن، دستور داده است که برای درک کلام خدا و استنباط معانی آن از خرد استفاده شود؛ آن جا که فرموده است: «افلا يتدبرون القرآن ام على قلوب اقفالها» (محمد/۲۴) (۳).

روش تفسیر قرآن در مکتب اهل بیت این چنین بر اصول قرآنی پایه ریزی می‌شود. از این رو امامان اهل بیت و سایر دانشمندان این مکتب از تفسیر به رأی و بدون علم یا دلیلی که بر این پایه قرار گرفته باشد،

ص: ۷۳

۱- ما آن را قرآن عربی نازل کردیم. یوسف / ۲.

۲- ما این کتاب را بر تو نازل نکردیم مگر برای این که آنچه را مردم در آن اختلاف دارند، روشن کنی. نحل / ۶۴.

۳- آیا آنها در قرآن تدبّر نمی‌کنند یا بر دل‌هایشان قفل نهاده شده است؟ محمد / ۲۴.

شیوه اثبات سنت

سنت نبوی «نامی است که بر هر چه از پیامبر صلی الله علیه و آله صادر شده از قبیل گفتار، کردار، یا اقرار اطلاق می شود».^(۱) گروه صحابه، سنت نبوی را از پیامبر صلی الله علیه و آله یا به طور مستقیم و یا به نقل از کسی که از آن حضرت شنیده یا عمل یا تقریر او را مشاهده کرده، گرفته است. در این دوره هر چند از طرف دروغ پردازان تلاشها شد که سنت را به کذب بیالایند اما همچنان صحیح و محفوظ از کذب باقی ماند زیرا با وجود خود رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضور گروهی که به آنچه از آن حضرت شنیده و دیده اند، گواهی می دادند، شناخت صحیح و برطرف کردن اشتباه یا دروغ عمدی، کار آسانی بود.

اما پس از گذشت زمان و دور شدن از دوران پیامبر صلی الله علیه و آله عدم

گردآوری سنت در نوشته منظمی که مرجع مسلمانان باشد - چنان که

قرآن مرتب شده و در یک رساله جمع آوری گردیده است - و از سوی دیگر، چون سخن پیامبر صلی الله علیه و آله کلام بشر است، مغشوش ساختن آن ممکن و تشخیص دادن آن از سخنان ساختگی دشوار می باشد، بسیاری از روایات دروغ به آن حضرت نسبت داده شد و کلمات بسیاری که از او صدور یافته بود، پوشیده ماند و یا دچار تحریف گشت.

شایسته است در این جا روشن سازیم که پیروان امامان اهل بیت،

ص: ۷۴

۱- شهید محمد باقر صدر، دروس فی علم اصول الفقه، الحقله الأولى، ص ۸۲.

آنچه را که درباره بیان احکام از امامان نیز صادر شده، در راستای سنت و منبع برای احکام می دانند زیرا آن حضرت فرموده است: «من دو چیز گرانقدر در میان شما به امانت می گذارم، یکی کتاب خدا (قرآن) و دیگری عترتم؛ کتاب رشته پیوسته ای از آسمان به سوی زمین است و عترت من خاندانم می باشند و خدای لطیف و آگاه به من خبر داده است که این دو، هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا هنگامی که بر سر حوض کوثر بر من وارد شوند. پس ببینید چگونه درباره آنها عمل می کنید».^(۱)

مکتب امامان اهل بیت علیهم السلام به دلیل این که به حفظ سنت و نقل آن از امامان اهل بیت علیهم السلام و روایان پارسا اعتماد فراوان داشت، سنت را به عنوان امانت از گزند آفات نگاهداری کرد اما بعدها در میان روایان، برخی از خبر سازان، دروغ پردازان، غلات، مفوضه، مجسمه و دیگران پیدا شدند؛ چنان که در میان روایان روایات پیامبر صلی الله علیه و آله نیز چنین کسانی

به وجود آمدند و به جعل احادیث و اخبار دروغ پرداختند از این رو، در این مکتب برای اثبات صحت روایت، روشی علمی معین کرده اند که مبتنی بر اصول زیر است:

۱ - هیچ حدیثی که منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله یا امامان باشد، پیش از آن که در سند و متن آن کاملاً تحقیق شود، پذیرفته نمی گردد.

۲ - مهمترین دلیل بر اثبات سنت، عدم مخالفت آن با کتاب خدا، و سنت متیقن و صحیح است. بر طبق این اصل در مکتب شیعه امامیه، هیچ کتاب حدیثی، که کلیه احادیث آن صحیح باشد، به اثبات نرسیده

ص: ۷۵

۱- ر.ک: مسند احمد، ج ۳، ص ۱۷، چاپ دار صادر، بیروت و نیز به طحاوی، مشکل الآثار، ج ۴، ص ۹-۳۶۸ مراجعه کنید.

بلکه تمام کتابهای حدیث و روایت به عنوان مجموعه های حدیثی قابل تحقیق علمی، پذیرفته شده است.

۳ - پایه اساسی در قبول یک روایت در این مکتب، صداقت راوی و وثاقت اوست، بدون توجه به مذهب و گرایش فکری اش.

ص: ۷۶

«شَرَعَ لَكُم مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِينَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ، كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَن يُنِيبُ» (۱)

در این خطاب الهی می خوانیم که خداوند به سوی اقامه دین و نهی از تفرقه در آن، دعوت فرموده است. این دعوت در حقیقت، خواندن به یک وحدت فکری و سیاسی است که توان و نیروی مسلمانان را در مقابل مبارزات اجتماعی و اعتقادی مخالف اسلام حفظ کند. از این خطاب، در می یابیم که عمل به قانون خدا و اجرای احکام آن به وسیله تشکیل یک جامعه و حکومت اسلامی و برقراری زندگی را بر اساس آن لازم دانسته است.

ص: ۷۷

۱- آیینی را برای شما تشریح کرد که به نوح توصیه کرده بود، و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم، که دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید. خداوند هر کس را بخواهد برمی گزیند و هر کس را که به سوی وی برگردد، هدایت می کند. شوری ۱۳/.

گذشته از این دعوت قرآن، ما مسلمانان وظیفه داریم تمام کوشش خود را در برپایی دین و وحدت مسلمانان و از بین بردن اختلاف و گروه‌گرایی متمرکز سازیم. پایه‌ها و نشانه‌های وحدت برای همه کس، روشن است همه مسلمانان از شیعه و سنی بر این اتفاق دارند که هرکس شهادتین را بر زبان جاری کند مسلمان می‌باشد؛ سود مسلمانان، سود او و زیان آنها، زیان اوست. از این رو، تمام آنها به ذات خداوند و کتابها و پیامبران و فرشتگان و قضا و قدر او و روز رستاخیز ایمان دارند و می‌دانند که رسالت اسلام بر پایه کتاب خدا و سنت پیامبر بزرگوارش حضرت محمد صلی الله علیه و آله استوار است و تمام آنها اجتهاد و استنباط احکام از کتاب و سنت را اجازه داده و به نتایج آن عمل کرده‌اند.

همچنین تمام مسلمانان در ایمان آوردن به فرائض اساسی اسلام و لزوم به جا آوردن آنها از قبیل نماز، روزه، حج، زکات، جهاد در راه خدا و امر به معروف و نهی از منکر و ... و این که «حلال محمد صلی الله علیه و آلهتا روز قیامت حلال و حرام او تا قیامت حرام است» اتفاق نظر دارند.

اختلاف میان روش‌ها و اندیشه‌های گوناگون اسلامی که مشاهده می‌کنیم، اختلاف نظری است که برای حل آن، باید به یک گفت و گوی علمی و بحث بی طرفانه تن داد زیرا مسلمانان موظف‌اند در مقابل دشمنان خدا و انسانیت و حملات و نقشه‌هایی که بر ضد آنان کشیده می‌شود و برای از بین بردن اختلافات و درگیریهایی که قوت آنها را به ضعف می‌کشاند و هستی‌شان را تهدید به نابودی می‌کند، صف واحدی تشکیل دهند.

در رأس کسانی که وظیفه حفظ وحدت و گردآوری همه مسلمانان

را بر عهده دارند، دانشمندان، نویسندگان و متفکران اسلامی هستند. از این رو بر اینها لازم است کوشش خالصانه خود را متوجه وحدت مسلمانان سازند و اسلام را به عنوان یک باور و اندیشه و قانون و تمدن به آنها معرفی کنند و شبهات و کوششهای زیانبار اهل باطل را بر طرف نمایند. بهترین سخنی که در پایان این گفتار می توانیم بگوییم دو آیه از قرآن مجید است.

۱- «واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا».(۱)

۲- «ان اقيموا الدين ولا تفرقوا فيه».(۲)

آخرین دعای ما این است: ستایش سزاوار ذات الهی می باشد که پروردگار جهانیان است.

ص: ۷۹

۱- تمام شما به رشته ارتباط با خدا بپیوندید و پراکنده نشوید. آل عمران / ۱۰۳.

۲- آیین الهی را به پا دارید و در آن به تفرقه و اختلاف نپردازید. شوری / ۱۳.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

